

۲۰ صفحه
قیمت ۱۵ تومن

کارگر

زبون آزاد مردم زحمتکش

شماره ۳، سال اول، ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ سردبیر: بهمن زهرانی

وینده‌های پیکاری

صفحه ۶

وقتیکه

استالینیستها از مسکو به مکه روی می آورند

حزب توده و جمهوری اسلامی

صفحه ۹

سرمقاله

سوی یگزاری روز اول ماه مه وعده و وعیدهای سرمایه‌داران و یا چشم انداز سوسیالیسم؟

با روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران کنی ناصند ایم. این روز عملی همبستگی کارگران، کمیته‌ها به گان وتود، زحمتکش است. این اولین روزی است که بدون فتنه و توت سلطنت در تاریخ کشور است. اما در دوسم ماهی از پیروزی تمام انقلابی بهیمن، باید مبارزات فاطح برای رهایی از جنگال به بخش‌های ناشی از سلطهٔ سرمایه‌لیسم را تدارک بینیم. همه جامعه از یاد چنین جوش و خروش عیوش مفلو است. حکومت سرمایه‌داران ابد ا راه حلی برای هیچکدام از مسائل جدی کشور ندارد. سوسیالیسم تنها چشم انداز واقعی حصول خواست‌های کلیه مردم تحت ستم و استثمار است. در این روز اول ماه مه، برای اولین بار در تاریخ ایسیران این چشم انداز آزادی، عدالت اجتماعی، برابری و فراوانی، یعنی سوسیالیسم قابل تحقق است. (بقیه در صفحه ۹)

کمیته‌ها:

بمانند، بروند و یا چگونه تغییر کنند؟

همه مردم از خود انتظار می‌کنند که بالاخره در روز اول ماه مه در دست هیئت وزرای آقای بازرگان است با درم ۲ اگر در مورد این مطالب روشن شویم نتوانیم بماند. بظن هر بریزی که بین جناح‌های مختلف هیئت حاکم در مورد کمیته‌ها جاری است روشن می‌شود. تمام انقلابی بهیمن ماه مه دولت استبدادی قدیم ضیاع هیچکس وارد کرد. سلطنت و داریو دست‌نهی‌ها و دربار را متلاشی کرد. دستگاه دولتی ایران که عامل جنر طبقاتی سرمایه‌داران و زمین‌داران برکلیه طبقات و اقشار دیگر جامعه است. (بقیه در صفحه ۹)

تراش فرساده کارگر از ترکمن صحرا

حقایق مبارزات ترکمن‌ها



است. در حالی که ننگبان منافع امپریالیسم در کشور است. شکنجه های عینی برداشت سرتیگی سلطنت پهلوی، نطفه کابوئی و مرکز تقلب جمع و انضباط سربا به ایران زمین - در آن ایران را میضبط کرد - به مناسبت امپریالیسم آمریکا که سلطنت نمانده مستقیم آن بود نیز ضربات قاطعی وارد آورد -

«طبقه طبقه» حاکم در این دوره پس از قیام ترمیم این ابزار جبر و زورگویی دولتی است. اما در دستگاه دولتی سخت آسیب دیده و از هم واکنش یافته است. یک سرآفرین پهلوی همی در دم به دست گرفته و سر دیگران در دست هیئت ویژه ای آقای بازگان است. خواب این سگوال که قدرت دولتی در دست کمیته است - روشن است: در دوره دولتی در دست سربا به داران و زمینداران سربا به داران است. اما این سازمان جبر و زور از غیبت قیام انتقام پیدا نگرفته است - در دم و زور از سوی مختلف برای القای خشیدن به زخم های این دستگاه دولتی فعالیت ادامه دارد. دولت سازمان منحل شده «حیوطه» حاکم برکلیت جامعه و سازمان مدافع روابط اجتماعی و اقتصادی طبقه حاکم مربوط است. در ایران - دولت سازمان و عامل جبر سربا به داران است - در قدرت سازمان یافته برای حفظ روابط و تمیث ایران از نیازهای امپریالیسم است - اما با سرتیگی سلطنت پهلوی انقلاب ایران در جهت عکس شانس طبقه حاکمه و برپاداش حکیم دستگاه دولتی گام برپیدارد - «توده» طبقه و قدرت نهایی همی

«توده» طبقه بود که قیام را پیروز کرد. با سرتیگی سلطنت - روز کارگران و زمینداران آغاز گردید - اما هیئت حاکمه که نمایندگان و کادر فرماندهی طبقه حاکم را تشکیل می دهد - باید به جهت مخالف - یعنی در جهت استحکام دستگاه دولتی بکوشد - بحث بر سر کمیته ها که در قدرت درهای بسته هیئت حاکمه جاری است از هم جدا می شود. کمیته ها باید در دولت و دولت را مستحکم کرد - آقای بازگان میگوید کمیته ها باید است بیرون جهت کنترل دولت - اما امام عینی میگوید کمیته ها باید باقی بمانند - این عکس به بدین معنی است که دولت همسوز در دوران نظامداری می رود و به معنی هیئت ها احتیاج دارد. اما این کمیته ها موجودات افسری هستند - آن نوعی است که باید که پای خود را بجا بیاورد - این هیئت برای آقای بازگان خوشایند نیست - آقای بازگان معانی که پای خود دولت را بزند نمیخواهد - کمیته ها از آن ماهیتر برپهورار هستند که خود عامل انبساط و انقباض و شکل بسیاری هیئت حاکمه است - کمیته ها سازمانی است بودند که در دوران جنگ و در زمان و در زمان سلطنتی موجود آمدند - این کمیته ها سازمان های مبارزه تودهای بودند - در میان کارگران صنعت نفت - راه آهن و دیگر بخش های طبقه کارگر - در نواحی سکونی مختلف سربا به در میان محصلین و دانشجویان - در بخش موارد در میان دهقانان - و بالاخره در میان کارکنان دولتی - این کمیته ها ظهور کردند - از طریق این کمیته ها توده عظیم مبارزات خود را علیه سلطنت پهلوی منحل کرد - بسیاری از امور سلطنت - از جمله و نقل جرمین تانزانیکه و بسیاری از نیازهای دیگر از طریق کمیته ها برآورده گردید - اما بعد از پیروزی قیام این تودهای کمیته ها مورد تهدید قرار گرفتند -

اگر چه توده عظیم قیام را پیروز کرد - اما آن سازمان ها و رهبری منحل به کارگران و زمینداران آن رهبری از خود کارکنان و زمینداران - آن نیروی با نفوذ سوسیالیستی انقلابی در صحنه انقلاب ایران موجود نبود که بعد از قیام گسترش هرچه بیشتر کمیته ها را تشویق کند - چنین رهبری بوجود نیامد که

کمیته ها را بعنوان سازمان های سیاسی تبلیغ و ترویج کند و سازمان باطن هرچیزه بیشتر آن را تشویق کند - بجای این پهلوی کمیته ها را بالا و بدون مخالفت مردم سرکشی یافتند - سرکشی کمیته ها بجای آنکه توسط مردم انتخاب شوند - از بالا انتخاب شدند - واقعیت فوق کمیته ها را جهت فشار متضاد و بسیار قدرتمندی قرار داد - بسیاری از جوانان انقلابی که در کمیته ها بودند از آغاز این کمیته ها را پیروز آوردند - بودند - جهت فشار مأمورین انضباطی در کمیته ها - در شرایطی که کمیته دیگر نمی توانست در میان مردم باشد - از آن برپوزیر و انتخاب گمراهه آرزو ترک کردند -

کمیته ها در چنین شرایطی در مسوولیت تعاضات واقعی بین طبقات جامعه قرار گرفتند - در یونها - از یکسو دهقانان از کمیته طلب پایی می کردند تا زمین ها را به زمین بیاورند - از سوی دیگر زمینداران را صاحب کنند - از سوی دیگر زمینداران برای حفاظت از خودشان - املاک - تورن و ماشین آلاتشان به کمیته ها متوسل می شوند - این تناقضات واقعی بین منافع طبقاتی بالاچار خود را در کمیته ها منعکس کرد - همینطور در کارخانه ها - کمیته بین کارگران و کارفرما و منافع متضاد این دو نیروی اجتماعی قرار گرفت - در هرکجا کمیته ها می بودند - جهت فشارهای مناسبت قرار گرفتند - نتیجه این امر قابل درک است - هدف ما از لغت کمیته ها به خواست همسوز واقعیت مدگان جلب شدند - برخی دیگر به منافع سربا به داران زمینداران الخ - هیئت رهبری مرکزی کمیته ها با این وظیفه پیروز بود که کدام جناح از کمیته ها واقعیت کند - اما این هیئت مرکزی سخت آلت دست سربا به داران و زمینداران است - اگر اینطور نتیجه توده ای کمیته ها را از بالا حرکت نماند - نتیجه سازگاری هرچه بیشتر کمیته ها با گساری است - لغت سازمان شده است -

تمام گزارشات مختلف در جریان مردم در باره نفوذ عناصر رژیم سابق در کمیته ها نیز دل بر این واقعیت است - زمانی که کمیته ها دیگر نمی بایست سازمان مبارزه به دور خواست های توده عظیم باقی بمانند - نمی بایست - از طرف خود مردم انتخاب گردند - خاورت کمیته ها علیه نفوذ عوامل رژیم سابق نیز بطور اجتناب ناپذیر تلقی یافتند - مسدود صحت کمیته ها باقی می ماند - به همین گونه در شرایط مبارزه توده عظیم برای کمیته ها خواست های - همیشه این خطر برای هیئت حاکمه وجود دارد که کمیته ها به سوی مبارزه توده جلب شوند - این است نشانه مخالفت آقای بازگان با کمیته ها - نیاز طبقه حاکم برای حکیم دولت و خطر وجود کمیته های مستقل حتی بطور نسبی - ریشه بافتاری دولت در رابطه با انحلال کمیته ها است -

اما موضوع سوسیالیست ها در قیاسال کمیته ها - از آنجا که کمیته ها مکررا فریادگسان کارگسرا را شنیدند - و در برخی موارد موار در اهواز - تهران - تبریز فریادگسان کارگر را مورد ضرب و تهمید و تاسر قرار دادند - این حولات به حقوق دمورکراتیک به دستگیری فریادگسان نشانه کارگر هستند و نمی شود - در رهله اول بنظر می رسد که سوسیالیست ها باید خواستار از بین رفتن کمیته ها باشند - اینطور نیست - تمام اشکالات و عللات غیر دمورکراتیک و سرکشیگانه که در اینجا و آنجا رخ می دهد - از دست کمیته ها سرچشمه نمی گردند - مبارزین انقلابی خواستار میدان گسردن کمیته ها به سازمان های مبارزه توده عظیم هستند - کمیته ها باید در هرکجا که هستند از طرف مردم انتخاب گردند - در یونها توسط دهقانان - در کارخانه ها توسط

کارگران - در نواحی سکونی توسط ساکنین محل - در دوران مبارزه انقلابی سلطنت کمیته ها برای کسب خواست های شخصی موجود آمدند - توده مردم بسیاری آزادی زندانیان سیاسی و پارکمنت تهیه شدند - انحلال سازه - سرکشی سلطنت پهلوی و ۱۰۰ مبارزه را با وجود آوردن کمیته ها منحل کردند - امروز توده عظیم با خواست ها و نیازهای بسیاری روبروست - کمیته ها می توانند و باید به سازمان های مبارزه برای کسب این حقوق مبدل شوند - تنها از این راه است که روحیه ذات انقلابی کمیته ها احیا خواهد شد -

این طلب را به بدین می توان گفت - کمیته اگر چه این کمیته ها تعالی ممکن است به خاطر تکرر از بالا تمام خواست انقلابی خود را از دست داده باشند - محبذاً سخت کمیته ها از مبارزات کارگران - زمینداران - جوانان - سربازان و دهقانان منحرف شدند نیست - همه همان چیزی که توده در بخش های مختلف مبارزه به دور کسب خواست های با مشکل می کند - کمیته ها و خواست ها باید می آید و بر آورده شد - در ایجاد وسیع تری بوجود خواهد آمد -

خیوبای خلق مبارز ترکمن - کمیته های مختلف مستقل خود کارگران در بسیاری از مراکز تولیدی - کمیته های میادان - خواست های دانش آموزان - همه دل بر این واقعیت است - کمیته ها قدرت مستقل توده عظیم را در مبارزه برای سرکشی سلطنت به تسر رساندند و جزو لاینفک آزادی و منسب انقلاب مبارز تشکیل می دهند - از مبارزه به دور خواست های ابتدائی در کارخانه ها - خواست های اساسی مثل شون مناسبت و بانک ها تحت کنترل کارگران - تقسیم اراضی و غیره - توده عظیم خود مبارزات خود در باره کمیته ها را پیروز می گردانند - انقلابین سوسیالیست برای گسترش هر چه بیشتر کمیته ها - انتخاب بودن آنان - ایجاد نهادی دمورکراتیک در کمیته ها - و ایجاد کلیه مبارزین برای کسب خواست های سرب کارگران و زمینداران کشور - یعنی تبدیل شدن کمیته ها به سازمان های مبارزه توده زمینداران می گردند - این سنت انقلابی که در مبارزه جنگ و ندادن بدست آمده بطور صریح و انقلابی باید حفظ گردد -

تیمون آزاد مردم زمینداران سربا - پایه زهرانی انضامی هیئت تحریریه - حسین نفوزی - حسن صبا - آذر طبری - سعید غازی - حمزه کاوسی - علی گسرا - وحید ناصر - پروین نجفی

سلطنت سلطنت پهلوی به بخاره و به سربا - حقیقت ساده و در عین حال بزرگی برای تمام کارگران و زمینداران مبارز است - و آن اینکه اساس جامعه بر اساس استثمار شدید اکثریتی محروم توسط اقلیتی بسیار کوچک و منحصر بنا شده است - عنوان نمائنده کل این اقلیت با زندان شکنجه و قتل عام تا آخرین لحظه کوشیدند - خلع اقلیت را که مستقیماً به مناسبت امپریالیسم جهانی و طبقه حاکم آمریکا بود از دستبرد توده عظیم محروم زمینداران ایران محفوظ دارد -

حکومت بازگان که بر پایه روح سلطنت انقلابی به قدرت رسید - از همان اوان سر در بر بار خفنی نبود این واقعیت مبارزانه و واقعی حاکم این موضوع که گروه به سرکشی خود به محاط سلطنت - هرچه بزرگی به روابط استثمارگران حاکم وارد شده - و این روابط هنوز سرکشی نگفته - رهبرین مذهبی و حکومتی - در طی نزدیک به ماهی که از قیام پیروز شدند به همین می اندرند - پیوسته کوشیده اند این طبقه زمینداران که جامعه بین آنها که همه چیز دارند - و آنها که هیچ چیز ندارند تقسیم است - چرا که زمینداران نمی توانند اساس جامعه سربا به داران را که شاه تانیه برای ۲۵ سال گذشته بر پایه رفاه - حبس گرسنگی و اشتیاق برای میزبان - و حبس و محاسبت آزادی برای مبارزین مبارز و مبارزین داران بزرگ کارگران - زمینداران - برای بنیان گردان این حقیقت - طی از بدین نوع فریب به اکثریت زمینداران جامعه تحویل داده شده است -

در طی هفته گذشته - مردم ایروان یوزهای بر تلاطمی را پشت سر گذارند - عین حال هفته گذشته برای کسب خواست های مردم بود - در کارخانه و در جامعه میگردند - تنها به در معادن - لای - احتیاج - سنگین - دولت و مدعی نظر بکنند - هفته تا این کهند ما می بینیم - آیت الله طالقانی که بنا بر سازمان جهانی دستگیری فرزندانش و غیره چند یوزها را در تهران - کتاب سیمی - مردم در میان بگذارد - چیزی جز تأیید نهاده از بیوان کارخانه و لزوم ادامه وضع موجود برای گفتن نداشت - و این وضع موجود را پایه در صحنه

واشنگتن به حلقه عکس بن جنوبی دامن میزند
۱۳ عظیم ترین سیخ کارگری در فرانسه
۱۴ مبارزه برای دمورکراسی سوسیالیستی
۱۵ رودلف برای
۱۶ صحنه جیبی
۱۷ بازگشت کتین به روسیه - کت در یوز
۱۸ آموزش سوسیالیستی
۱۹ نگاه از دین کمیته های امام
۲۰ عزت انقلابی ما
۲۱ دستگیری زهرانی فریادگسان کارگر
۲۲ دست حمله به نمایندگان

در این شماره:

- ۱ کمیته ها - یانته - پیوند با چگونه تغییر کند؟
- ۲ روز اول ماه
- ۳ صاحبیه با احترام پیوند
- ۴ حقایق مبارزات ترکمن ها
- ۵ صاحبیه با شورای سوسیالیستی شیروان
- ۶ ریشه های بیگاری
- ۷ مبارزه میادان بندر انزلی
- ۸ مبارزه ایل شیتیان بختاری
- ۹ به استخراج کارگران افغانی خانه دهید
- ۱۰ مبارزه نظریه زهرانی و بنی صدر
- ۱۱ حزب توده و جمهوری اسلامی

کارگر - تیمون آزاد مردم زمینداران سربا - پایه زهرانی انضامی هیئت تحریریه - حسین نفوزی - حسن صبا - آذر طبری - سعید غازی - حمزه کاوسی - علی گسرا - وحید ناصر - پروین نجفی

حقایق مبارزات ترکمن‌ها

جانشین غروی

اولین کتاب ترکمن زبان ایران است به آشناسی کشیده می‌شود.

مردم ترکمن در دفاع از حق موجود بند خود و آزادی تنج و آزادی بیان و علیه حملات گمبته امام و ارتشیان خود را مسلح می‌کنند. بالاخره پس از هشت روز نبراندازی و جنگ که در آن نیروهای گمبته امام و ارتشیان از زنده بوش - شماره انداز - نازنجلد - مسلسل سنگین و هلیکوپتر و قاتلوم استفاده می‌کردند. دولت مرکزی مجبور به عقب نشینی شد و اکنون به مذاکره با مردم ترکمن پرداخته تا در موقع مناسب بتواند جنبش مردم ترکمن را شکست دهد. در واقع تلاش شدن ارتش رژیم استبدادی یکی از علل اساسی شکست دولت در رسیدن به اهداف خود بود - چنین شخصی قسمت میهنی سی یادگان کشود - پاسخ به دستورات حرکت بطرفه گمبته گماوس لغضاب کرده و از یادگان خارج شد - هم اکنون کلیه پایگاه های ارتشینی در روستاها و شهرهای بندر ترکمن و آغسلا در دست مردم مبارز ترکمن صحرا می باشد - شورا های دهگانی که در بیش از ۳۰ روستای ترکمن صحرا سازمان یافته اند - حدود ۹۰ هزار تا ۶۰ هزار هکتار از زمینهای فب شده توسط ملاکین بزرگه مانند مینا تیان - سرراشک انصاری و دیگران را پس گرفته اند و این شوراها در واقع ارگان های خودمختاری مردم ترکمن در روستاها گردیده اند که بطبق دولت مرکزی انتخاب شده و تمام مسائل روستا را حل و فصل می کنند -

اگرچه در مرحله فعلی مبارزه - زمینداران و دولت مرکزی مجبور به عقب نشینی شده اند - لیکن هم اکنون آنها تبلیغات زهرآگین را علیه این مردم سفد بده و مبارز در سطح کل از طریق مطبوعات و رادیو و تلویزیون آغاز کرده اند تا مقدمات کافی برای حمله بیرحمانه خود به این توده سفد بده آغاز کنند - سرپا به داران و زمینداران که در قیمت تر زمینهای تحت کشت را اکنون از دست رفته اند - آرام نخواهند نشست - در این رابطه گسترش هرچه بیشتر مبارزات مسروتم مردم ترکمن و ایجاد همبستگی با ترکمن هسار و جراسر ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است -

گردند - در اولین روزهای غیوریه بین از آنجا که تا شروع دولت در مورد خواست های مردم ترکمن هیچ نوع توجهی نکرده و حتی بااعکس با زمینداران و ملاکین بزرگه در سرکوس آنها همکاری می کرد - ستاد مرکزی شوراهسا اعلامیه ای مبنی بر مخالفت با فرانسدم غیر دیوکراتیک انتشار داده برای برگزاری میتینگ هگانی در روز ۶ فوریه بین ماه دوت کسره - مسائل مورد بحث میتینگ چنین اعلام شده بود -

۱- چرا در وفراوند به شرکت نمیکنم؟
۲- اعلام مواضع ستاد مرکزی شوها
۳- همبستگی با خلق کرد ستندج
با آنکه برگزاری این میتینگ با تید بند و اهلاب افراد گمبته های امام و مزدوران ملاکین بواسطه می شود - و حتی تشجایب حاصله حداقل یک ترکمن کشته و عده ای مجروح می شوند - محبذات میتینگ و رای گیری در صاحت ظفر در روز ۶ فوریه بین شرکت ۳۰ هزار مردم سراسر ترکمن صحرا و شرکت ۳۰ تنسورای دهگانی و کاتینهای فرهنگ و سیاسی تمام مناطق و ستاد های منطقه و شاخه های فرهنگ ستاد در سفید - ساری و تهرسار برگزار شد و پیام های همبستگی از طسرف سازمان "فدائیان خلق ترکمن" و "گاسون زبان ترکمن صحرا" و پیام ستاد مرکزی شوها راه تیراهای منطقه خوانده شد - در این لحظه باز گروه ۵۰ نفری متشکل از گمبتههای امام از سفید - گرگان - نظریه تفر و مناطق دیگر و سربازان یادگان های توده و ساری و نیز مزدوران جاقوشک ملاکین به میتینگ آرام و غیر مسلح مردم ترکمن حمله کرده و در اکثر شلیک ۴ نفر از حاضرین کشته و ۱۱ نفر زخمی می شوند و تعداد ۱۱۴ نفر از طرف مهاجمین دستگیر می گردند -

پس از تحریک میتینگ و تفرق شدن مردم - افراد گمبته امام و ارتشیان به گاسون تهرسار - سیاسی شهر گمبند و طر ستاد مرکزی شوها حمله کرده و وسایل آنها را بقمارت می برند - و مسائل فطم برداری آنها را زمین سدرده و وسایل انتقاراتی را که تیزه کانه ۲۰۰۰ - ۳۰۰۰ تیمان ارزش داشت سرقت می برند - تیزه کانه به ۱۰۰ نسخه از کتاب متخولف قرائی که

پهلوی را درهم کوبید - برای ده هفتاد ترکمن صحرا یعنی دستپاس به زمین هائی بود که توسط ملاکین و ارتشیان مالبرته سانسند قزاقی - حمدی - میلانی - حاجی کلسا - جعفریای - و دیگران فب شده بود - این ملاکین که حامی خود را از دست داده بودند - کوشیدند تا از طریق گمبته های امام که خود ساخته بودند و مردم ترکمن را در بر نمی گرفت - از گسترش مبارزه مردم ترکمن برای پس گرفتن زمین ها و کس حق خود - محتاری جلوگیری کنند و مبارزه ای را که از زمان رژیم شاه سابق آغاز شده بود خاصوسی کنند -

ملا در بندر ترکمن پس از قیام بیمن ماه گمبته امام بندر ترکمن نه تنها حق یک حصو ترکمن را در بر نمی گرفت بلکه مردم ترکمن تحت تعقیب و آزار افشا گمبته قزاق می گردند - خانه های آنان هم از دست این ماسورین بعینیت نهان شد - بدین ترتیب از طریق ایجاد شب و وحشت در بین ترکمن ها - محسوس در جلوگیری از گسترش مبارزات این مردم منتم - تده برای بدست آوردن حقوق خود میگردد - مردم ترکمن که قیام بیمن ماه را بعنوان انقلاب رهائی بخش از اجتنابی - ست ملی و بیگاری برای مالک می دند - نه خواستار شرکت در تعصقبگیری تیزه کانه مسائل خود شده - و بدین منطوبر تقاهرات و سخنرانی ها در نقاط مختلف ترکمن صحرا آغاز گردید -

حالات دولت ملاکین خلق مردم ترکمن در سطح کشور با تبلیغات وسیعی برای تحریف مبارزات ترکمن ها از طریق مطبوعات و رادیو و تلویزیون همراه بوده است - خواست هسای مردم ترکمن از دولت مرکزی برای رسیدگی به اجداعات و جنایات گمبته های امام و ارتشیان بدین اثر بوده و ماجورین و نمایندگان دولت یکس پس از دیگری مبارزات مردم این منطقه را محکوم کردند - در ۲۵ اسفند رانیا تانده استاد و حجت الاسلام امید - نماینده استام " ستاد مرکزی شوهای خلق ترکمن صحرا" را غیر قانونی شناختند و خواستار انحلال آن گردیدند - مردم ترکمن که ستاد مرکزی را تنها نماینده واقعی خود می شناسند بسا شهازهای "انتخاب ناپود ماه - انتخاب بوزیر ماه" نمایندگان دولت را استقبالی

سه شنبه ۲۱ فوریه بین از حمله و کشتاری که در گمبند برای مدت ۹ روز ادامه داشت - پیش از یکبته نمی گذرد - صفی از چهار کامیون ملو از سربازان مسلح در دروازه شهر فرارگاه در میدان اصلی تنها شانه و مسود ارتش در اینجا است - بطرفی " شهر آرام است و جمعیت به کارهای روزمره مشغولند و مبارزه ها باز هستند - ما جوانای طر " ستاد مرکزی شوهای ترکمن صحرا" می تویم - ما را بطرف فریاد آری سابق شهر راهتانی می کنند - در جلوی در ستاد - جمعیت زیادی مشغول خواندن اعلامیه ها و فراخوان های ستاد سپه مردم میند - نیز اخبار اتفاقات گمبند هستند که در روزنامه های مختلف انعکاس یافته و بسر دو بار دانشجویان ستاد چسانده شده است - داخل ستاد بر از جوانان ترکمن است که به انتظار می ایستند -

ستاد مرکزی شوهای ترکمن صحرا" در واقع تنها قدرت اجرایی است که اکنون در سطح ترکمن صحرا یعنی از بندر ترکمن گرفته تا جرجان فعالیت می کند و توسط شاخه های که در شهرها و دهات مختلف این منطقه داری به مسائل اقتصادی و سیاسی منطقه رسیدگی می کند - ستاد مرکزی همچین مبارزات و فعالیت های شوهای دهگانی - کارگری - سوادان و قالی بافان را متحرک و متشکل می نماید - تنها اعلام مجرده بند دولت مرکزی کشور غیر محسوس ارتش در یادگان شبسو گمبند است - تازه ملاکین و نیروهای دولت مرکزی بدین مؤلفند و دستخط ستاد مرکزی شوهای ترکمن صحرا هیچ خود احرانی ندارند - محسوس دولت زمینداران بزرگه بسورای خاموشی کردن عدای حق مردم ترکمن توسط بیج گروه های خبری از طریق گمبته حوس امام و بعضی قسمت های ارتش با شکست مواجه شده است - مبارزه قهرمانانه مردم ترکمن و همبستگی و همدردی دیگر طوبه ها و افتاد سفد بده علیم تبلیغات منفیانه و تحریقات راه بد تلویزیون - در شرایط آرمه پاشیدگی ارتش - دولت مرکزی را بقدر یافتن راه حل های مسامت از سر انداخته است - و هائساری را برای مذاکره با مبارزین ترکمن فریاده اند - قیام بیمن ماه که بساط خلق و استبداد

اعلامیه ستاد مرکزی شوهای ترکمن صحرا

خواستهای برحق خلق ترکمنان جزئی جدایی ناپذیر از خواستهای خلقهای میهنی است - ما با اعتقاد صبیح به وحدت و یکپارچگی میهن بر افتخاربان آسوزان - بدینستی باور داریم که این وحدت تنها در بزم وحدت آزادانه و برابراه همه خلقهای میهن میسر است - با یگانگی خلقهای ما نه از طریق سلطه رژیم و انضال زیر کله ایزده آزادی و برابری و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای آنها میسر می شود - حقوق خلق های ایران خود جزئی از حقوق اساسی و متشکات است که با کوشش خود بقای جامعه را تعیین می کنند ناپودی استعمار - از میان برداشتن استعمار و برابری یک جامعه مساوی و سوزگاریک تنها چیزی است که در نهایت مستقریسا و سر عدالتی را پایان می دهد - آنچه که در موارد مختصر زیر تحت نام خواستهای خلق ترکمن می آید بختر کوشگی

از این خواستها بوده و به اعتبار انقلابی که با اهداف نهایی همه زنجیران میهنیان دارند بیگان در انتظار همه مردم ایران بصورت خواستهای برحق خلق بدیوشه خواهد شد - تشکیل شوهای انقلابی از طریق رای آزاد مردم ترکمن برای دفاع از حقوق خلق ما و به تیر رساندن خواست زشتکاران شهر و روستا
۱- تقسیم زمین های خاندان دغور پهلوی و دیگر قاصبان زمین مانند هیزر بزه آسوی میان دهقانان بین زمین تحت نظر شوهای روستایی
۲- لغو کلیه دین و بدهیها و تعهدات مالی کارگران و دهقانان - پیشکش وران کاربردان جز به آلتیقا و موسسات دولتی
۳- لغو تمام معذوریهای خلق و فرهنگ و سهردن مصالح خلق ترکمن به دست خلق

ستاد مرکزی شوهای ترکمن صحرا
۵۸ / ۱ / ۱۴

همه مردم ایران و دنیا ظلم‌هایی را که در حق ما میشود باید بدانند

مصاحبه زیر روز چهارشنبه ۲۲ فروردین به یادمانده شورای دهقانی روستای بی بی شیروانی در محل شورا در بی بی شیروانی است. اینجاست که شورای روستای بی بی شیروانی شامل ۵۰ خانوار (حدود ۲۵۰ نفر) می‌شود و در حدود سه فرسخی شهر گنبد کاووس قرار گرفته است.

س: از ابتدا چگونه بود که تصمیم به بازگشت زمین‌ها گرفتید؟
ج: در ابتدا راجع به گرفتن این زمین‌ها بحث‌هایی می‌شد، همچنین راجع به مقرر کردن اجاره‌های محلی و غیر محلی و خود ملت هم منظر برنامه‌ای بودند تا زمین را پس بگیرند. برای سه ماه پیش، و با پیشنهاد کانون کانون فرهنگ و سیاسی خلق ترکمن مردم جمع کردند و وقت زمین‌هایی را که متعلقه آنها بود از افراد و مالکین گرفتند.

س: زمین‌های بازگشت گرفته را چگونه انتخاب کردید؟
ج: قریب بیست سال است که مردم ما اینجا ساکن هستیم و این زمین‌ها را شخص زده‌اند. محصل برداشته‌اند و بعضی مزارع آنهاست که از طرف اداره املاک هم شناسایی شده بود که مال آنهاست. زمین‌های اطراف را خود کشت کرده‌اند و قبل از آن ۵-۶ سال از آن محصول خیر برداشته بودند هم به آنها اجازه پرداخت کرده‌اند. بعد از اینکه با افراد اشتراکی گفتند. این زمین‌ها را به دولت بدهند. زمین و کشاورزی و سایر کارها را به دولت بدهند. اکثر کسانی که زمین‌ها را از آن گرفتند و مزرعه‌های تازه بوده‌اند و ملک‌نویس از این زمین‌ها داشته‌اند نمیتوانستند حریف بزنند.

س: این زمین‌ها را در چه سالی از شما گرفتند و آیا در رابطه با انقلاب سید ابی‌تaleb انجام شد؟
ج: بعد از ۲۵ سال پیش و ۱۰ سال پیش و حتی ۲۰ سال پیش. قسم این زمین‌ها هم به رابطه با انقلاب سید بسودند.

س: بعضی هم بودند. در مجال از آنجا که با شورای انجام شد. در رابطه با زمین‌های خود گرفتند. پس از تصمیم، چگونه به بازگشت زمین‌ها اقدام کردید؟

ج: باید بگویم پیشگام شدن که برنامه‌ها را انجام دادند. وقتی صحبت شد آمد همه جمع شدند. گفتگو می‌شد. همه آمدند و باید بگویم تعیین کرده‌اند. باید بگویم که اینجا نسبت کم است و مطالعه این از هر قسمت و مطالعه ای یک شخصی را معرفی کرده‌اند و آنها نمایندگان مردم شدند برای صحبت با مالکین.

س: آیا برای بازگشت زمین‌های دهقانی خود صلاح شد؟

ج: بعضی از مالکین را با اسلحه رفتیم. البته تا آنکه ما را ۳۰ یا چهارهنگامه‌ها هم می‌کشید. چون شده بودم ولی آنکس با برنامه و مزرعه‌هایش اجازه دارند و ما هم از نظر احتیاط که آنها ترس داشته باشند بدون چهارهنگامه که آنها ترس داشته باشند بدون رفتیم. البته برای خودشان وسائل گذاشتیم که کارشان سخت نشود و برای آن تعیین کرده‌ایم. با آنها صحبت کردیم. بعضی نسا شده برسانند و بعضی‌ای تشکیل دادیم بسا

روشنایی و بیش سفیدان محل و همچنین از طرف کانون فرهنگ و سیاسی خلق ترکمن در گنبد نماینده ای برای نظارت حاضر بود. در اینجا نماینده شورا چند دستخطی را می‌برد. البته زمین‌ها از آنها بخیر غیر قانونی حساب شده و علاوه بر این‌ها دادگاه آنها مسئول پرداخت "قراردت شری" را متذکر می‌شد و به اعضای زمینداران رسیده بود به ما نشان داد.

س: کانون چگونه بوجود آمد؟
ج: کانون قبل از زمین تشکیل شده ولی فعالیتش کمتر بود. اشخاصی که در آن کار می‌کردند جداگانه فعالیت می‌کردند. خواستند همه نیروها را روی هم بزنند برای طلب مردم برای کتاب خواندن و روزنامه خوانی. در موقع قیام بین کتابخانه و فریادنداری را گرفتند و برنامه‌ای پیشنهاد کردند تا بوجود آورد و مردم از آن استقبال کردند.

س: در مبارزاتی که منجر به قیام بیست و شش مردم این منطقه چه مبارزاتی کرده‌اند؟

ج: فعالیتات با گرفتن زمین‌ها شروع شد. وقت شاه هم اینجا بود ما شروع کردیم به گرفتن زمین‌ها و با آوردن زاندریم و اینجا ما نتوانستیم کاری بگیریم و نامه هم نوشتیم به نخست وزیر و دولت و درگیری‌هایی داشتیم با آقای پارسیان ایشان از دست ما شکایت کردند و گاه‌ها را دست‌آتش زدند تا تصرف ما بپذیرند و نقطه ضعفی گیر می‌آوردند که علیه مردم استفاده کنند.

س: آیا قبل از قیام تعداد زیادی افراد ساکن و نیروهای اخلاقی بودند؟

ج: ساکنانی هم که نوری ده بودند برای ما نشانده بودند. از این نظر اطلاعاتی نداریم. البته از طرف دولت زاندریم می‌آوردند و بعضی اوقات می‌آمدند و چادر می‌زدند و به ترس از ساکنان هم بودند.

س: زمین‌های بازگشت شده توسط چه سازمانی اداره می‌شوند و چگونه کسب می‌شوند؟

ج: زمین‌ها فعلا تحت اداره شوروی دهقانی می‌باشند. فعلا تصمیم جهت کسب گرفته شده. البته بعضی‌ها که از قبل کاشته بودند. فعلا تصمیم بصورت شرکت برای سازمان و محصل را تقسیم کنیم برای اینکه بیشتر در محصل را تقسیم کنند و نمی‌توانند به تنهایی این کار را بکنند و مسائل گنبد کارها را عقب انداخت.

س: شورا کی و چگونه ساخته شد؟

ج: شورا روز ۲۰ اسفند سازمان یافت. یک روز قبل از آنکه شورا را تشکیل بدیم از مردم دعوت کردیم که جمع بشوند یک سخنرانی می‌شد می‌خواهیم همه ای را برای اجلاس شورا انتخاب کنیم. در موقع خبر مردم جمع شدند و همانطور که گفت اینجا قسمت قسمت است. در اینجا که جمع شده نمایندگان در حدود ۱۱ نفر بودند. از این ۱۱ نفر پنج نفر عضو اصلی و نشانی نفر عضو علی‌البدل هستند و با هم همکاری نزدیک دارند و آن پنج نفر نام برده شده و مجال شد این همه رضایت دارند. اگر شخص صالح‌تری سراغ

داریم می‌توانیم تعیین کنیم و مردم همساز همان چند نفر را تأیید کرده‌اند و فردا ما از کانون گفتخواستیم که بمانند و با مردم راجع

به شورا صحبت کنند و آنها هم نظر مردم را راجع به شورا بخواهند و باز خود مردم تأیید کردند که اینجا بورد اعتماد ده هستند و پنج نفر تأیید شدند.

س: این فراخوان برای انتخاب شورا از طرف چه سازمانی انجام شد؟

ج: از طرف کانون فرهنگ و سیاسی خلق ترکمن در بی بی شیروانی.

س: در زمان انتخابات گنبد آیا در اینجا نیز درگیری‌هایی اتفاق افتاد؟

ج: انتخابات که در گنبد افتاد. در اینجا پنج نفر نماینده ما از ده خودمان ۲۴ ساعته حفاظت می‌کردیم. از نظر نیروی انسانی هم جوان‌ها به گنبد می‌رفتند و گنبد می‌کردند. از نظر خوراک و کتای‌های مالی و نقدی هم گنبد می‌کردند. و در زمینه کسب فواید زمین در گنبد. شورای دهقانی بی بی شیروانی نیز شرکت داشت و خود من از طرف اهالی ده صحبت کردم.

س: آیا بازگشت زمین وجه زندگی را برای مردم تغییر داد؟

ج: اتفاقاً نه. بعضی از نظر مالی نه، ولی از نظر اینکه حشیش که بوجود می‌آید و مردم بتوانند حشیش را بزنند. به س: یا چه سببی فکر می‌کنید که استفاده مادی بدهد؟

ج: اگر از طرف مقامات مسئول کانون اداره گنبد یک پیشنهادی در اختیار ما گذراند شروع کردیم. با بزرگان کارها ما را شروع کردیم چون مردم بی‌صفت هستند و نه‌اندند که خودشان زمین‌ها را بکارند.

س: چه چیزی احتیاج دارید؟

ج: از نظر موزون‌آلات و مسائل کافی داریم ولی از نظر سوخت کمترین. بذر و کود و سایر

از نظر بودجه ای برای کارگران. بعضی می‌توانند کار کنند و بعضی نمیتوانند و آنها را که کار می‌کنند باید مزد نیز بگیرند.

س: پس تا زمانی که این اعتبار را نگیرند از سازمان‌های بازگشت استفاده در اینجا چه بکنند؟

ج: بعضی زمین‌ها کاشته شده و احتیاج به چیزی ندارند ولی بعضی‌ها که کاشته نشده برای آنها احتیاج داریم. همچنین الان کانون بذر بیه می‌دهد.

س: آیا تمام این زمین‌ها احتیاج بذر بیه دارند؟

ج: اکثر احتیاج بذر بیه دارند چون شوره زار هستند و آب هم هستند.

س: آیا شما فکر می‌کنید از دولت فعلی می‌توانید کمک بگیرید؟

ج: ما خبر نداریم که دولت مرکزی کمک خواهد کرد یا نه. کمک را کانون باید تصمیم بگیرد. و ما باید کانون هستیم اگر می‌خواهد از دولت فعلی بگیرد. البته اگر خسارت‌ها را بتوانیم از ارباب بگیریم. دیگر احتیاجی به کسی نداریم.

س: در رابطه با دهقانان مناطق دیگر ایران و از آنجا که کشور ما دارای نفت پلدار کافی هست آیا شما به درخواست‌های کشور نفت و سوخت بجای برای کشاورزان فکر کرده‌اید؟

ج: فعلا فعالیت‌های ما محدود به بازگشت زمین‌هاست و ملت به آن روی خوش نشان می‌دهند و نگاه روی گرفتن زمین

ها کرده‌ام و فکری روی نداشتند. البته از نظر همکاری‌های دیگر از نظر حق‌های دیگر که ملت داشته مثلا چاه. آب. حمام. لوله کشی. بیداری با خدمات باشد ولی فعلا نگاه روی گرفتن زمین‌ها است.

س: آیا مدارس به زبان ترکمنی شروع به کار کرده‌اند؟

ج: این مسائل درجه اول اهمیت است را برای مردم ترکمن دارد. در زبان رزم سابق نسبت به فرهنگمان یک نوع بی‌کفایتی بوجود آورده بودند که بعضی از همسایگان ما ترکمنی نمی‌توانستند صحبت کنند و با راه پولسی چیزی برای ملت ما وجود نداشت. زبان ترکمنی بود در گرگان که یکساعت ترکمن صحبت میکردند و البتة به از آن‌ها و رسوم ترکمن بگفته‌اند و فرح از این نظر ما خواهان فرهنگ خودمان هستیم.

س: فعلا که هنوز از زمین‌های بازگشت گرفته استفاده ای نشده است. آیا می‌توانید به خانواده‌های کم‌صفت‌تر و آنها را که برضی هستند و مالی تهیه کنید؟

ج: قبلا اگر کسی در خانه این زمین‌ها می‌شد. زمین با بافتن و غیره خرچستان را تأمین می‌کرد. از نظر درمانی. کتاب پزشکی از کانون می‌آید و شورای دهقانی تقاضای دارو و دوا می‌کند و قبلا هم آمده‌اند.

س: کس از ارباب‌ها می‌تواند بگذرد تصمیم بر آن گرفته شده که از اطلاعاتی که جمع می‌شود گفت‌های بشود. از بودجه ای که خود شورا بدست می‌آورد. فعلا شورا چیزی نداره ولی حداقل گفتی که بتواند کمک کند.

س: آیا شورای دهقانی از اهالی ده مالیات اخذ می‌کند یا از طریق اجناس است اداره می‌شود؟

ج: خبر مالیاتی اخذ نمی‌شود و از طریق اجناس کار می‌کند.

س: آیا اهالی به دولت مالیات پرداخت می‌کنند؟

ج: خبر از نظر قضایی چگونه عمل می‌شود. مثلا اگر اختلافی بین افراد ده باشد آنجا قضای دولت.

س: فعلا از وقتی شورا ایجاد شده چنین چیزی اتفاق نیفتاده. ولی باید از طرف شورا اجتناب شود. البته شورا قدرت اجرائی ندارد که کسی را مجازات کند.

س: خطر شما درباره مجازات‌های گنبد. های امام. از قبیل شلاق زدن‌ها و غیره چیست؟

ج: در کسبت‌هایی که الان هستند بین افراد صالحی زمین‌ها که مردم را شلاق بزنند چون یکساعت بپزند از ریخته‌اند و برای نفس شخصی خود می‌توانند هرکاری بکنند و کارهایی که در گنبد شده یک نمونه از آن است.

س: آیا پاس یا سخن دیگری بستانی خوانندگان ما دارید؟

ج: ما در اینجا یک چیز از شما می‌خواهیم. این قضایی که در اینجا می‌گذرد و در بیست‌نهایی دیگر ایران می‌دهد و ظلم‌هایی که در حق ما می‌شود می‌خواهیم همه مردم ایران و دنیا بدانند که این ظلم‌ها بر ما شده و یکساعت معدودی آنها را انجام می‌دهند.

بیماری دانی جامعہ سرمایہ داری

ریشه های بیماری

وحید ناصر



اصراع شده به جایمانها ریخته می شود - مبارزه بر علیه بربریت سرمایه بالا میگیرد - خون گوری مبارزه شویاید - پیوه کشی مسود اورا مشکل تر می کند - کارخانه های بیشتری بسته می شوند - کارگران بیشتری بوی سنگسری جایمانها ریخته می شوند -

سرمایه داری فقط از یک طریق می تواند بر این بحران فائق آید - آنهم از طریق - اسید آم اجباری نوامی از نیروهای مولد - حمله به حقوق کارگران - تشدید استثمار - یعنی ایجاد بیماری، بااین بردن دستفزه - ها - و بالا بردن ساعات کار - اولین شرط انجام این کار خسته گردن جنبش های انقلابی و جلوگیری از سازمان دادن هرگونه مبارزات کارگران است - تا به ضعف و زنیان ریخته شوند و بهر شکل پیوه کشی تن در دهند - در این که سرمایه داری در ایران هم

اکتور در جنبش اوضاعی قرار باره شکستی نیست - راه حلی که دولت بیعت برای حمل بحران در نظر دارد اختصاصی دادن ذخایر مالی سلطه به وام برای سرمایه داران است تا از این طریق زیر بال سرمایه داران را بگیرد و به آنها کمک کند - ولی این عمل باطلی بیش نیست - بحران فعلی از کمبود پول در جنب سرمایه داری ناشی نمی شود - بلکه از تضادهای درونی سرمایه داری ناشی می شود - بزبان وام ۵ میلیاردی دولت هم نه مساله بحران را حل خواهد کرد و نه مساله بیماری را - با احتمال زیاد سرمایه داران وام را خواهند گرفت و بجنب خواهند زد - اوضاع کسالی اسباب ادامه خواهد یافت - تشدید تشکل مستقل و عمل سیاسی خود کارگران - چه آنها که بنگار شده اند - چه آنها که امروز تن قرار دارند - می تواند اجازه سازمان بحران کنونی باشد -

خواننده عزیز:

بر خلاف نشریات سرمایه داری - هفته نامه سرمایه یعنی کارگر از چاپسج مالی و مادی محکم برخوردار نبوده و فقط با کمک های مالی شما قادر به ادامه انتشار است - در صورتیکه فلانند به این تشویه و ادامه انتشار آن هستند - کمک های مالی خود را به حساب زیری ما ارسال نمایند - بانک ملی ایران - تهران شعبه خنکشار - اعیانان تجدیدیه - شماره ۴۴۴ - شماره حساب - ۱۵۴۴ در وجه بهرام عطایی

پایان زهرانی

را دشوار می سازد - ابتدا با متوقف کردن تولید و ایجاد بیماری فشاری دوگانه بر اجتماع می گذارند - اولاً تعداد کتیسری را بنگار می کنند و ثانیاً اجتماع را از بخشش از محصول تولید برای ادامه حیات آن محروم می کنند - و بنگار را تا تحمیل دو پایه شرایط فظان و ترس و تبدیل کارگران به بردگان دست و پا بسته و حرف شنو ادامه می دهند - بر عام جامعه فشار می گذارند که پول خود - شان "علم و قانون" را دو باره برقرار کنند - و البته حضورشان از نظم و قانون چیزی جز اطاعت می جویند و چراغ کارگران از سرمایه - داران نیست - این واقعیت را امروز روشنی می توان دید - بسیاری از سرمایه گذاران - سرمایه گذاری های جدید به راه انداختن کارخانجات قدیم خود رانشورده به تعبیرت بزرگوار کارگران کرده اند -

بحران های سرمایه داری و بیماری

جامعه سرمایه داری جامعه ایست بر سر اتحاد بحران زده - چند مثال بسزیم - مثلاً برای افزایش سود و بهره کشی سرمایه داران جمعیت نامتولد کمپنها را بالا می برسانند و دستفزه ها را پایین می آورند - ولی انگسار باسنگ شدن قدرت خرید مردم و در نتیجه افزایش نرفتن محصولات تولید شده میگردند - سرمایه داران مختلف دام با هم در حینسل رقابت هستند و میخوانند بازار را از حینسل یکدیگر بیرون بیاورند - برای پیوری در این رقابت راهی ندارند جز افزایش بهره کشی از نیروی کار - پس تشکل بالا تشدید می شود - در جریان رقابت سرمایه داران ضعیف تر وریشکته شده و از میدان خارج می شوند - به تدریج عدد زیادی بنگار ایام می شود - کار و کاسبی ده دگری بهم می خورد - به این ترتیب قدرت تصرفی جامعه بااین می آید و فروش محصولات تولید شده در بازار شکنند می گردد - واره شدن تقووی در جهت تمام سرمایه دارانی را که فاقد آن تقووی هستند و قدرت اقتصادی استفاده از آنها ندارند با خطر وریشکگی روبرو می کند -

تکثیر محصوله آن تضاد ها که گاه بگاه چنان اقتصاد جامعه را دچار بحران می کند که حیات اقتصادی و جامعه فلج میشود و سبب اقتصاد جامعه از حرکت باز میماند - پسول کارگی در این بحران ها ناگهان منقرض و آگیری تمام تولید زیاد می شود و میماند - جامعه ناگهان خود را بر یک وضع وسیع می بیند - آس می آید - جنبی بنظر می رسد که تحفظی با یک جنگ خانمانسوز جهانی بحران تمام مسائل ادامه حیات را قطع کرده است - انگار صنعت و تجارت ضمیمه شده اند - در این دوران است که وریشکگی بیسلا می گردد - تولید راگه می شود - کارخانه ها یکس از دیگری بسته می شوند و با ایکه تولید خود را کاهش برده اند - کارگسار

داشته باشد - و بنزد با و زور بگوید - برای این کار سرمایه داران باید شرایطی را فراهم کنند تا بتوانند هر وقت خواستند کارگسار را با تهدید اخراج - یعنی قطع قوت لاجوت مواجه کنند - و اینکار نیز فقط وقتی امکان دارد که بیرون از کارخانه ها عدد زیادی بنگار آماده بهره کاری وجود داشته باشند - تا هر وقت کارگر عوارض شرایط و مستحکام کار خود اعتراض کند سرمایه دار با بگوید - "هزاران نفر بیرون از کارخانه منتظرند گسه در شرایط بدتر از این هم کار کنند - نسو ناره خیلی فاشی آورد ای که کسار داری نمی خواهی عویش آیدی" - بدین ترتیب سرمایه داران - و دولت گاشته آنان برای بهره کشی پیروز از کارگر همواره پشاندند و تخریب گاه بعضی گروه زیادی بنگار و آماده برای کار در هر شرایطی را در جامعه نگاه می دارند - وجود ارتش ذخیره کار گسار لایق جامعه سرمایه دار نیست - تا با در جامعه سرمایه داری همسواره بخش های از تولید در حال از هم باشتی و وریشکگی قرار دارند - چون سرمایه گذاری سود آور در آنها صیر نیست - و اینکار باعث بنگار شدن کارگسار که در این رشته بنگار مشغولند میگردد - و نیز خرد مالکشی را که مابین وریشکته می شوند - به خیسلی بنگاران می راند - مثلاً در باره ملکات خود جان از هم باشتیدن کشاورزی نمونه روشنی است که باعث مهاجرت وسیع از روستا به شهر و ایجاد دهه کثیری بنگار شده است -

بیماری اسلحه ای در دست سرمایه داران

مجموعی نهاد جامعه سرمایه داری تضاد بین اجتماع بودن تولید و خصوصیت بودن مالکیت بر ابزار تولید و محصول تولید است - مثلاً اجتماع بودن تولید با این معنی است که آنچه در هر کارخانه تولید می شود تنها برای صرف شخصی صاحبان یا کارگران کارخانه بلکه برای صرف کلی اجتماع است - علاوه بر این ذات اجتماع به آن بستگی دارد - و علاوه بر این ذات کارگران جامعه بملک می آید - تولید در این کارخانجات دارد و متوقف شدن تولید یعنی ایجاد بیماری - و کسلی مالکیت بر وسائل تولید و محصول تولید خصوصیت است - یعنی کنترل بر آنها در اجتماع و محدودی سرمایه داران است - بنابراین ابتدا می توانند هر وقت بخواهند با احتکار محصولات - کم کردن تولید بیسلا متوقف کردن آن حیات اجتماعی را مختل کرده - عدد زیادی را بنگار کنند و از نمان خریدن بیدارند - سرمایه داران لقب از این سلف بحران اسلحه ای برای پیسود اهداف سیاسی و اجتماعی خود استفاده می کنند - مثلاً در شرایطی که جنبش های حق طلبانه اجتماعی حمل شویاید و جنبش کار بهره کشی و تبدیل کارگران به بردم های دست و پا بسته

شک نیست که مسئله بیماری در بحران حاضر یکی از حاد ترین مسائل جامعه است - مسئله ای که روز بروز ایجاد آن وسیعتر می شود - و پیروز تعداد بیشتری را بگسام گرمی و آزارگی می کشاند - سیاست دولت آلا با بزرگان در فعال این مسئله ترانسست اجتماعی تناقض عریف و عمل است - از یک طرف که چیزی جز هرگز و بزین چار میزند گسه مردم - مبارزه تمام شده دوران سازند گسلی فرا رسیده - باید مبارزه و کنار گذاشتن بنگار برداخت - و از طرف دیگر در شرایطی تعقیب و تعاقب بیین از مؤسسات تولیدی کثیر دست روی دست گذاشته اند و در مقابل در خواستهای بیس از سه و نیم میلیون نفر که چیزی جز کار نمی خواهند - جواب سسر بالا می دهند و امروز فردا می کنند -

حالت این تناقض را باید در ماهیت دولتی جست که جامعه دارن سرمایه داری وریشکته ایران را هدف خود قرار داده - از یک طرف بر خواهد مبارزه را بخواهند تا شرایطی پیوه کشی از کارگران در باره ایجاد گردد - از طرف دیگر باشتی بر ای حمل هیچکدام از مسائل حاد اجتماعی ندارد - تبعیتنا این حکومت و تبعیت را معکوس جلوه می دهد و ریشتهای واقعی بیماری موجود را که اشاعه سرمایه داران از بنگار انده اهن مؤسسات تولید خان - استفاده از حداکثر ظرفیت تولید است - مخفی گردید و اعلام می دارد عطف بیماری ایست که بعلمت خلاص شدن انقلاب اقتصاد ملک مختل شده است - گوش انقلاب بطور اسرار آمیزی جلوی باز کردن کارخانه ها و استفاده از حد اکثر ظرفیت تولیدی آنها را گرفته است - ولی واقعیت این نیست -

هر روز بده و میدهد های دولت و بسیاری رنج بیماری می شود - بگر رویش شده گسه این بده و میدهد ها حریفانی توانی بیش نیست - چرا که با هیچ عمل طبیبی همسرا نبوده است - در حقیقت اساساً حل مسئله بیماری از اراده دولت فعلی خارج است - در جامعه سرمایه داری این رقابت سرمایه داران و تلاش آنها برای استثمار هر چه بیشتر کارگران و بدست آوردن سود بیشتر است که برانعه از تعیین می کند نه اسباب خیرخواهانه این سیاستها را میزاول با کارل این سیاستها را در خدمت بزنا منهای سرمایه داران هستند و خواهی نخواهی در آسین راه قدم می گذارند - اختصاص دادن نسوری ۵ میلیارد تومان از بدهی ملکته برای وام سه سرمایه داران - در شرایطی که تصویب شده بود چه لازم برای کمک به بنگاران گرمسره در وزارت کار مطابق ماده گواه رویش بر آسین دعاست - اگر از این دید بنگریم اساساً حل طبیبی مسئله بیماری در جامعه سرمایه داری غیر ممکن است - و در نیش آن در اینجا می آید - اولاً برای بهره کشی هرچه پیروز تر از کارگر سرمایه دار می خواهد کارگر را در اختیار خود

مبارزه صیادان بندر انزلی

پروین نجفی



در دوران استبداد پهلوی، همه مردم ایران شاهد اذیت و آزار شدید صیادان این منطقه بودند. صیادان، خصوصاً در شمال، به انواع و اقسام بهانه‌های مختلف، بسدی تیر، تفل غیر قانونی، محل غیر قانونی و غیره، دائماً تحت تعقیب و اذیت و آزار دولت سابق بوده‌اند.

به گفته دولت سابق اینجانبه اذیت و آزار صیادان از این خاطر بود که صیادان با صید میرویه تمهید برآوردن اخراج نمل مساحسی را داشتند و دولت شاهنشاهی قصد محافظت از نمل ماهی - و برای انجام ابتکار سنگ - دستگاه ماهی و طویل شیلات با سالانه ۴۵ میلیون تومان بودجه ایجاد شده بود - سازمانی که تمام هدفش اذیت و آزار صیادان بود.

اگرچه با نادوی رژیم ظلم و ستم پهلوی، صیادان شمال برای احقاق حقوق باپستال شده، شان بیشتر شده‌اند. در بندر انزلی و سایر نواحی صیادان در صدد ایجاد کمیته و بسیا شورای صیادگان صیادان هستند تا بتوانند برای خواست‌های خود مبارزه کنند.

بجایزه صیادان می‌گویند که صید با بسده تابع قوانین و مقررات خاصی انجام گیرد. تحت کنترل شورای نمایندگان خود صیادان، زیرا چه کسی بهتر از خود صیادان-نگاش که بشعر به این حرفه اشتغال داشته‌اند - صیدانه که چگونه صید معقول ماهی - بسدن آنکه نسل ماهی را به خطر نیاندازد - ارائه پایه. به همین دلیل اکنون صیادان خسوسد می‌خواهند. از طریق شورای نمایندگان که در کمال آزادی انتخاب شده‌اند، صیادی در این منطقه را کنترل کنند.

ایل نشینان بختیاری خواهند بود وضع زندگی خود هستند

حالت زیر توسط یکی از طوایر ایل نثرینه گزرج در شهر کرد در مورد ایل نشینان بختیاری برای ما فرستاده شده است که در زیر چاپ می‌برسانیم. تاریخ گزارش ۱۷ آگوسته ۱۳۵۴ است.

در چهارمچال و بختیاری بیش از ۴۰ هزار نفر به شیوه ایل نشینی روزگار می‌گذرانند که از نظر امکانات و راهی در بدترین شرایط زندگی می‌کنند. تنها «موسسه» دولتی در این ناحیه زاده امیری است که در تمام سال وظیفه نظارت بر کنترل منطقه است ولی واقعیت این است که زنده اندو با کاری جز چاییدن بختیاری، بار ندارند و پول معروف شربت نرد و ریش نافته‌اند. از نظر بهداشت و وسایل درمانی هم وضع ایل نشینان بسیار اسفناک است. از این از بزرگ و در او در منطقه یافت می‌شود ایل جویونه برای درمان کیلونها راه بسده شهر کرد و اصفهان بودند. جاده و راه نیز در منطقه بسیار کم است و جز راهی که به سید کورده که می‌رود راه دیگر در منطقه وجود ندارد. سوخت آنها از فصولات حیوانی است.

دارید و کودکان نیز در گله داری و جمع آوری سوخت کمک می‌کنند. مردان یا در منطقه بسه کار گله داری می‌برند و برای مدتی از سال برای کار به شهرها می‌روند. پس از سقوط رژیم شاه، اکثر گله داران برای محافظت از گله‌های خود تصمیم بسده مسلح گردن خود گرفته‌اند. زیرا اخیراً حملاتی به گله‌های آنان صورت گرفته است و هنگامی که از این شکت خواسته‌اند به آنها جواب داده شده‌اند. علت آن را هم بسدن بسیر ذکر کرده‌اند. گله داران نیز نماینده ای از میان خود انتخاب کرده و بسه کمیته ای برای تیران فرستاده‌اند تا هم برای اسلحه‌های خود جواز بگیرند و هم تقاضای اسلحه‌های جدید بنمایند. کمیته ای از تیران نیز طی نامه ای به کمیته شهر کرد خواسته است که این خواست‌های ایل نشینان برآورده شود. ولی هنگامی که واقع در آب انگر خیزستان عایز زمین بسده، توسط کمیته ایام مجلس دستگیر شده که هنوز از سرزودت آنان خبری در دست نیست.

به اخراج کارگران افغانی خاتمه دهید

از طرف کمیته بیندس بازرگان جنبه رسمی علیه کارگران افغانی مقیم ایران آغاز شده است. جدا و هزاران نفر از کارگران افغانی که در طی سالها ای گذرته، در جستجوی کار به ایران آمده‌اند. مسوول طبق گزارش نیزنامه، توسط نیروهای حکومت تا دم تحت تعقیب شده. از ایران اخراج می‌گردند. شد این رفتار غیر انسانی، فله ان گسار ذکر می‌شود و اینکه کارگران افغانی جسی کارگران بیکار ایران را گرفته‌اند. همراه با زیر سر نیزه حکایت، بسواری نسیم افکار عمومی، دستگاه‌های تبلیغاتی انواع و اقسام اتهامات زود پرستانه را علیه کارگران افغانی وارد می‌نمایند. در روزنامه‌ها انتشار جنجالی بیرومن "زده ی جنایت و تجاوز" افغانی‌ها درج می‌گردد و دستگیری گروه‌های مسلح افغانی اعلام می‌شود. نه روزنامه‌ها و نه راه‌پو و تلویزیون، کلمی در باره شرایط آنگیز کارگران افغانی در ایران می‌نویسند و می‌گویند.

زبان بختیاری‌ها اتری است ولی به تنبیا در مدارس این زبان تدریس نمی‌شود بلکه قدرت و امکانات تحصیلی نیز بسیار اسفناک است. آنها مجبورند از تحصیل محروم باشند یا در شهرها تحصیل کنند که معمولاً این کار بیشتر در فصولات انجام می‌گردد. کار روزانه بیشتر مکن بر کسار اسفناک خانوادگی است. کار زبان و کودکان بخش می‌هی از فعالیت انسانی را تشکیل می‌دهد. زبان معمولاً جمع آوری سوخت، ساختن چادر، شمر و دوشدن، بچه داری، آوردن آب و جابه داری و حتی گله داری را بعهده می‌نهند. فرار از این کارگر زنده بوش مسووم و زحمتکش افغانی را که بدنیال کارملکت و خانه و خانواده‌اش را رها کرده، بجنسوان مسئولیت مکنی می‌گردند و از این مجبور می‌گردد. شورتیبا کارگر بیکار ایرانی و پلیونسا نگر دیگر در هر روز به بیکار شدت تشنه بسده می‌شوند. فریب چنین تبلیغاتی را می‌خورند. آنان بد ریشی می‌بینند که دشمن کارو مسلح زندگی آنان سلطنت و عمال آن قرار داشته چون فاقد هرگونه امنیت اجتماعی و تأمین رفاهی بود. حاضر بود بسدترین کارها را در مقابل کمترین دستمزد ها بدهد. سولایه ایران ایرانی و چهارمکاران اسپرانت که در ایران سولایه‌ای کرده بودند، از اشتراک و شایعه کارگران افغانی فرزان به جذب کردند. در همین حال حکومت آقای بازرگان که بدی رسالت الهی است، ضمن اینکه سلونیا تویان از بیب‌الغال را بجنسوان راه حل بیکاری در اختیار همان نیرومندان

در جامعه بشری دستگاه اجتماعی سرمایه - دارین در حال احضار، یعنی امپریالیسم است. نتایج بدون وقفه برای سودجویی بیشتر توسط گبنی‌ها و سرمایه‌داران - ملت‌ها که بازار جهانی سرمایه‌داران تحت سلطه خود درآمده اند. منشا تمام این فلاکت‌هاست - این گبنی‌ها و ملت‌ها و سرمایه‌داران و قوت‌های نوین اقتصادی، از منابع خود توسط دستگاه‌های دولتی کشورهای مختلف امپریالیستی دفاع می‌کنند - سرمایه - داران، بانکدارها، کارگران سرمایه‌دار کشورهای مختلف امپریالیستی که سرمایه عظیم را در دست خود متمرکز کرده اند - باید قدرت دولتی داشته باشند تا از منابع خود در مقابل کارگران کشورهای خود و مردم محروم که در کشورهای بی‌بافتاده استثمار می‌کنند، دفاع کنند. قدرت دولتی سرمایه‌داران در این جهت است که در مقابل سرمایه‌داران دیگر کشورهای امپریالیست نیز به زبات ملکر دست بزنند.



شاه و برزند و رهبران گرینل و دریا و سوسیالیست می‌توانند دوست باشند اما تضاد بین نظام حاکم اجنماعی کارگری و سرمایه‌داری از بین نمی‌رود.

فقط با یکدیگر پیروز نمی‌شوند. با خارج شدن نسبت مهمی از گره، اوضاع از محده در استثمار سرمایه‌داری، ضایع موجود برای سرمایه - گذاری و به چنگ آوردن مواد خام ازین کمتر و کمتر شد. با برآمد آمدن چهارمده کشور که سرمایه‌داری در آنها سرنگون شده بود، جواب جهانی و نظامی را به بی‌سابقه امپریالیست‌ها، دستخوش تغییر اساسی شد. جهان امپریالیسم تحت رهبری قدرتمند ترین امپریالیستی، یعنی آمریکا - گسترش انقلاب سوسیالیستی و انقلاب کشور - های طب افتاده برای رهایی از استثمار و استثمار - گسترش سرمایه‌داری که سرمایه‌داری منبسط و گشت پیشرفت‌های فراوانی تحت نظام نوین اقتصادی و اجتماعی صورت گرفت. اینرسی پیشرفت‌ها حاصل جا بگیرن شدن در بعضی شیوه تولید برای استفاده و منفعیت جمعیت انسان‌ها بجای تولید برای سودجویی اقلیت تاجران سرمایه‌دار بود. مالکیت خصوصی - کارخانه‌ها و مراکز تولیدی صنعتی در این کشورها لغو شد. بجای هرج و مرج ناشی از سودجویی سرمایه‌داران، اقتصاد با برپاسه که تولید را مطابق با نیازهای زمکنستان سازمان می‌دهد جاگیرن شد. سیاست خارجی که در این کشورها قبل از انقلاب سوسیالیستی برای سودجویی سرمایه‌داران و تجارت بزرگ بود در احضار دولت درآمد و برای رفاه نیازهای مردم هوش‌نویس پیوسته گرفت.

مقایسه چین بعد از انقلاب با هند وستان اموزی ایجاد پیشرفت ناشی از سوسیالیسم نظام اقتصادی و اجتماعی نوین را، روشن می‌کند. روسیه تزاری، که طب افتاده بود کشور امپریالیستی بود، کشوری مرگسب از ۶۰ میلیون کارگر و ۱۵۰ میلیون دهقان به مقام دومین قدرتمند جهانی امروز رسیده است. کپای طب افتاده، بعد از انقلاب موفق به از بین بردن بیسواری و نژاد پرستی شدید طبه سرمایه‌دار، حل مسئله بیکاری و بهداشت گشته است.

دستاوردهای این نظام نوین اجتماعی و اقتصادی همگی شاهد زنده بر محکومیت و پسش نظام سرمایه‌داری است. در همه این کشورهای کارگری، قدم‌هایی قول آما برای از بین بردن مرگسب و بیسواری برداشته شده است. همه مردم از بهداشت‌ها و بیگانگی با زمینشناس بهره‌برخوره‌اند. با از بین رفتن سرمایه‌داری دوران‌های ادواری بحیران - هائی، بیکاری بطور دائمی از این کشورهای ریشه کن شده است. این نظام نوین طبه‌خواست و کشت دائم سرمایه‌داری برای جنگ و استثمار به دنیا آمده و بدین جهت ذات استعماری و جنگ طلب ندره.

امپریالیست‌ها در مقابل این واقعیت زنده و دول کارگری یک هدف مشترک دارند - از بسط و گسترش این نظام نوین که منافعی

بانگداران و سرمایه‌داران کوسه صفت امپریالیسم را بطرف می‌اندازد. جلوگیری کنند. امپریالیست‌ها دائما نقشه می‌ریزند تا سیستم استثمار یک سو و از طرفی دیگر که در این ۱۴ کشورها زندگی می‌کنند، دوباره برقرار کنند و سرکشته‌چنان را بچنگ خود آورند. تفر ساریز ناپذیر امپریالیسم جهانی از این نظام نوین، قبل عام ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی هریشیا و تاکاژکی را در آتش بمب‌های اتمی وجود آورد. تمام تسلیحات اتمی آمریکا که یک پند از چنگ دوم تاکنون ادا شده یافته از این تفر ریشه می‌گردد. از کشتار هوشیانا تا ۱۰ سال کشتار در ویتنام، تسلط‌های استبدادی و نظامی شکسته و تیر در جهان، بربریت و وحشی‌گری - اینها همه نمونه‌های تهدید امپریالیسم جهانی در برابر کشورهای کارگری و طبقه مردم ستمدیده و استثمار شده جهان هستند. هر قدم در ادامه سابقه تسلیحات اتمی جهانی توسط آمریکا برداشته شد تاکنون امپریالیسم جهانی طبقه نظام نوین ۱۴ کشور کارگری و گسترش انقلاب به سایر نقاط جهان همواره جنگ و کشتار تدارک می‌دهد. اما این یک جنبه فقهی است. جنبه دیگر آن تسلیحات زهرآگین یوزانه امپریالیسم است. امپریالیست‌ها هرچه در زات خود دارند به دول کارگری نسبت می‌دهند. امپریالیست‌ها گسترش طلب و استثمارگر هستند. در تشریحات امپریالیستی سرمایه‌دار دنیا می‌نویسند که بسا گسترش طلبی و استثمار ایجاد شوری بی‌پایه می‌کنند. امپریالیست‌ها جنگ‌های جهانی آفریده‌اند. میلیون‌ها را قتل عام کرده‌اند. در نهایت نظامی به اتمی تطابق دنیا - اتمی و هوا نژاد را قتل عام کرده‌اند. اختیاری و شکسته از قتل دستگاه سلاخی سوسیالیستی در ایران را آفریده‌اند. همه این طبعیه‌ها خود را به نظام نوین در دولت‌های کارگری نسبت می‌دهند.

اما امپریالیست‌ها در این تسلیحات زهرآگین دست تنها نیستند. تفر ضد کارگری درون - ملار که بفر از گویا بر کلیه دول کارگری مسلط است. فترتی که در همه جا در این کشورهای از کارگران و زمینکنان نصب کرده و اختیاری سیاسی خونخوری در این جوامع آفریده است. وین برنده امپریالیست‌ها است. فتر بیوکراسی حاکم بر دول کارگری - فعالیت‌هایی را تحت لوای سوسیالیسم انجام می‌دهد. و امپریالیست‌ها با ایجاد اختیاری صفت این هیئت حاکم در سازمان ملار را به حساب سوسیالیسم می‌گذارند.

و تسلیحات زهرآگین خود را ادا می‌دهند. این تفر اجتماعی - به‌پایه ای گنگی است که برده در دولت کارگری رفته و قدرت حکومتی در دست‌هایش متمرکز کرده است. منابع فد کارگری این تفر اجتماعی در احضار شوری است که ریشه کل سیاست و سازمان چهرشایدی مداوم و زیگاریا ای حزب توده مرکزی احزاب کمونیست طرفدار سگورا تشکیل می‌دهند همین مطلب در مورد نیروهای سیاسی طرفدار رهبری یکم در سطح جهانی نیز صادق است. کارگران و جوانان انقلابی که کمر همت بسه پیشروی انقلاب حاضر بسته‌اند می‌خوانند نسبت به دولت حاکم فتر استالینیستی حاکم بر اجزاء شوروی که سیاست‌های رهبری حزب توده را زنده است. می‌افتد یا بسته - نظری درک این نکته می‌توان جوهر سیاست‌های رهبری حزب توده، هدف‌های آن و نسام مانورهای آنرا درک کرد.

بید طبقات حاکم و فترهای حاکم

عقلش سیری ناپذیر برای سودجویی که نیروی محرکه موتور خلفان و جنگسگ استعمار امپریالیسم است. در کشورهای که سرمایه‌داری را ستمدیده کرده و اقتصاد با برپاسه شده

را جا بگیرن آن کرده‌اند. وجود نسبه‌داره - تاریخیانه - برصم رقابت بین استعماری که در مالکیت خصوصی افراد و خانواده‌های قلیل هستند حاکم بر اقتصاد نیستند. اینس یک دستاورده تاریخی است که با پیروزی انقلاب ۱۳۱۷ روسه آغاز شد و عصر جامعه دارن به سادات سرمایه‌داری را کتود -

گبنی‌های مختلف در کشورهای امپریالیستی آمریکا، ژاپن، آلمان، روسیه، سالانه میلیارد‌ها دلار در خارج از مرزهای کشور خود سرمایه‌گذاری می‌کنند و سودهای کلان به جیب می‌ریزند. بانک‌های مختلف در این کشورهای امپریالیست در راه‌های جهانی فعالیت‌های سودآفرین فراوان دارند.

سرمایه‌داران امپریالیست، دلایا با بیان محضول تولیدی گبنی‌های امپریالیست در سراسر دنیا سلطه هستند. آیا این واقعیات در مورد اتحاد شوروی، چین و پاکستان دیگری که از سرمایه‌داری خلاص گشته‌اند، صحت دارد؟ خیر - اقتصاد هر کشور امپریالیستی به‌مردم سرمایه‌داری و سرمایه‌گذاران سودآور در خارج از مرزهای خود، به سکون خواهد آمد و قسیر می‌ریزد. معیشتا، اتحاد شوروی و چین سرمایه‌داری نمی‌کنند و تولید دائما رشد کشورها بالا می‌رود. اگرچه تمام این جسران بخاطر فتر بیرون ملار حاکم بخودش می‌گرده. معیشتا رشد اقتصادی همسواره ادا شده‌اند می‌کنند.

قدرت‌های امپریالیستی به‌جنگ دست می‌زنند و ارتش‌های متجاوز را به ایسو و با آسوی جهان گسیل می‌دهند تا از ضایع سیستم اقتصادی خود دفاع کنند. آما در دولتی که سرمایه‌داری ستمدیده گشته چنین نظامی موجود نیست.

قدرت‌های امپریالیستی بین دو نظام اقتصادی و اجتماعی موجود، تطابق اساسی بین قوانین اجتماعی حاکم به اقدامات طبه طبه سرمایه‌داری می‌کنند. اما این سوسیالیست‌ها تغییر می‌کنند. این یک مطلب اخلاقی نیست، هم - حالکین سرمایه‌دار و هم حالکین استالینیست هرزه و کارگران و ستمدیدگان هستند و از آنان تفر دارند. در این مورد هر دولتی آنها خصوصیات مشابه دارند و خاصیت خونخوردی.

اما نظام‌های اجتماعی متفاوتی که ابد و بر آن حکومت می‌کنند. رابطه حالکین سرمایه‌دار و حالکین استالینیست به وسایل تولید، سبب می‌شود که ایدان به طرق و اشکال تطابق برای حفظ و گسترش منابع خود عمل و یکس - افعال از خود نشان دهند.

فتر حاکم بر دولت کارگری، هیچ غشش مورد نیاز را در عملکرد و فعالیت اقتصاد با برپاسه و ملی شده بازی نمی‌کند. در حقیقت، منابع این فتر همیشه متواضعی و ارضاه توین کامل امکانات تولید اقتصادی و اجتماعی توین ایجاد می‌کند. پایه اجنماعی این فتر را موقعیت ستار آن در جامعه تشکیل می‌دهد. این فتر در زمینه توزیع سهم کارگر و زمینکنان را به جیب می‌ریزد و مزاحمت خود را در کاخ‌ها و ویلاهای متعدد بنا می‌سازد. اما علیرغم فتر اجنماعی که همچون زانو به این دولت‌ها حاکم می‌شود، این کشورهای کماکان ماهیت دولت خود، دولت کارگری را حفظ کرده‌اند. مدیون نمونه، یوزف و مایر هیچیک از حامیان طبه‌های پهلوی در سبب نمی‌گردند. هر دو تفر حاکم، هم در سگورا هم در یکم از مخلوق امپریالیسم آمریکا و سایر اینان حمایت می‌کند. دولت این کشور، با بخاطر روابط مالکیتی که از برپاسه است سرمایه‌داری توسط کارگران و زمینکنان منتظر شده، دول کارگری هستند - اگرچه بسج شده



دستگاه امپریالیسم - ریشه جنگ، اختلال، خودخوانی

حزبان وسیله سیاسی و قابل اطمینان برای محوره کردن مبارزات کارگران و مابقی دست‌خوار بیوزنی انقلاب است. این بهین محسوس است که احزاب استالینیست هیچوقت به هیچ نوع حاکمین حکومت سرمایه داری سربرند. اگر حاکمین حکومت سرمایه داری سربرند، اگر سرمایه داری نداشته باشد - احزاب کمونیست طرفدار فتر استالینیست، به هر وسیله از بیخ و اضمحلال گرفته تا سرکوب و سلب و انتصاب دست می‌زنند. اما برای نفاقه کردن سرمایه داران کشور خود از هدف اساسی فوق یا زبان مخالفت و زبان کارگران و زحمتکاران محسوس می‌کنند. اما هدفشان اینست که دست مقابل ثن‌های مبارزه نود، سرمایه داری را سوار این گه دارند. از طریق فشار بر حکومت‌های سرمایه داری، احزاب کمونیست می‌کوشند تا زودترین فتر حاکم بر دولتیست کارگری مربوط به خود و امپریالیسم جهانی را تسهیل کنند. تا به چه جنبش انقلابی متحد از ظهور استالینیسم، در سراسر جهان دال بر این واقعیت است - از بیوزنی هیئت‌مدیر در ۱۹۳۳ در آلمان تا شکست آینده در چین، همه از این واقعیت حکایت می‌کند. بیوزنی کودتای ۲۸ مرداد و ریح قین تیر و هشتاد و پنج امپریالیسم و سلطنت پهلوی که از این شکست ناشی شد نیز شاهد این واقعیت است. گفتم که احزاب استالینیست ابتدا بسیاری حصول اهدافشان، خود را به شیوه مخصوص محوره می‌کنند. می‌توانند فوایه فریبست و طلب و با ماوراء چپ خود بگیرند. این سنگی به خراطیله ناهزای فتر بیوزنی است. این در دوره خود فتر بیوزنی است. دولت کارگری نیز صادی است. در جستجوی "عقوبتی مصلحت‌آمیز" بودن بهین معنی نیست که فتر بیوزنی دست‌نویس جنگ نخواهد زد. خبر در مقابل یک‌دست به ما حلقه نظامی از طرف امپریالیسم فتر بیوزنی است. اما هدف از این عمل بیوزنیست حفاظت از اختیارات خود است. بیوزنیست با شیوه‌های ضد انقلابی خود، از دولت کارگری تغذیه می‌کند و در نتیجه از ریاست

و با ناقص الحلقه هستند. کارگران در این کشورها طبقه حاکم را تشکیل می‌دهند. اگر چه قدرت سیاسی از آنان غصب شده و توسط فتر انگلی سلطه می‌بینند و راه پیشروی آنان به سوی امپریالیسم سد گشته است. یک طبقه حاکم سرمایه دار که صاحب سرمایه و کارخانه‌ها است، سرمایه را در دست‌های خود متمرکز کرده و پسندت سرمایه برای گذاری برای گسترش سرمایه‌داری است. از آنجا که کوشش برای سرمایه - گذاری سودآور، سرمایه دار را به خسار از مزایای کشور خود حوق می‌دهد. سرمایه داری طبعاً گسترش طلب است. دولتی که سرمایه داران کنترل می‌کنند از قدرت نظامی استفاده می‌کند تا این جریان گسترش سرمایه را در خارج و داخل تضمین کند. بیوسن نظامی‌شان نیاز دارند.

چج واقعت میاست فتر استالینیست

همه فترهای بیوزنی در دول کارگری به خیال سازش با امپریالیست‌ها، این دشمنان متعدد باگان و انتشارگاه هستند. باهت میاست استالینیستی سازش طلبی است. این محتوی شکل "عقوبتی مصلحت‌آمیز" را بخود می‌گیرد و همه استالینیست‌ها این مطلب را تقوی و تویب می‌کنند. ایمن به خیال یک مصالحه دائمی با امپریالیست‌ها هستند تا بتوانند به حاکمیت خود بر دولت کارگری مربوطه ادامه دهند. این عمل را اینها ساختن "سوسیالیسم در یک کشور" نام گذاری می‌کنند.

چطور دقیق می‌توان گفت؟

۱- ایچان می‌خواهند که امپریالیسم کاری به کارشان نداشته باشد و به آنان کمک اقتصادی نکند و در عوض، فترهای استالینیست به امپریالیسم قول می‌دهند که سعی به ساختن سوسیالیسم در هیچ کجا خارج از مرزهایشان نخواهند کرد. ۲- در محوطه مرزهای خود، فتر بیوزنی را آنچیزی می‌سازد که به دوغ سوسیالیسم نام گذاری می‌کند. هدف ایچان هیچوقت مشترکی با هدف مارکسیستی جامعه آزاد، دموکراتیک و قزاقانی جهانی که انسان‌ها در آن با هم برای پیشرفت جامعه بشری همکاری می‌کنند، نسه‌اند. هدف مارکسیستی از جامعه ای حاکمیت است که در آن به استفازرگ همت و به استقامت شده، نه سلطه و نه سلطنت. بیوزنیست خود عامل استعمار و مته در دولت است.

در فتر نامه استالینیسم، "سوسیالیسم" بمعنای اختیارات وسیع و برتکوه برای محسوس بیان‌یاری استالینیستی است. درک ایچان از "سوسیالیسم" آن پیشرفت اقتصاد است که فکر نود، عظیم را از اعتراض به عدم وجود همگونگی آزادی و کنترل سیاسی توسط خودشان، باز دارد. تقسیم‌گیری و خسوف دموکراتیک بنیاد، یک‌توری بیوزنی را به خطر می‌اندازد. جنگل حلقان‌آور بیوزنی بر دولت کارگری تنها ضیع اختیارات فسادان آمان است.

بیوزنیست‌های استالینیست برای حلقه موقعیت مبارزان در جامعه، بیش از هر چیز به تیار و آرایش سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در داخل و خارج از مرزهایشان نیازمند هستند. لنین، تعلیم می‌دهد که صوری که در آن زندگی می‌کنیم صهر جنگ و انقلاب است. فتر انگلی غاصب فتر در دول کارگری از جنگ و انقلاب می‌هراسد.

لنین صهر امپریالیسم را صهر جنگ، انقلاب و جنبش‌های آزاد میخالی طی نامید. و این یک پندار و موعظه نیست. جنگ و انقلاب از تیار و طبعیه دستگاه سرمایه داری ناشی می‌شود. مارکس بنیان گذار مکتب سوسیالیسم

و با ناقص الحلقه هستند. کارگران در این کشورها طبقه حاکم را تشکیل می‌دهند. اگر چه قدرت سیاسی از آنان غصب شده و توسط فتر انگلی سلطه می‌بینند و راه پیشروی آنان به سوی امپریالیسم سد گشته است. یک طبقه حاکم سرمایه دار که صاحب سرمایه و کارخانه‌ها است، سرمایه را در دست‌های خود متمرکز کرده و پسندت سرمایه برای گذاری برای گسترش سرمایه‌داری است. از آنجا که کوشش برای سرمایه - گذاری سودآور، سرمایه دار را به خسار از مزایای کشور خود حوق می‌دهد. سرمایه داری طبعاً گسترش طلب است. دولتی که سرمایه داران کنترل می‌کنند از قدرت نظامی استفاده می‌کند تا این جریان گسترش سرمایه را در خارج و داخل تضمین کند. بیوسن نظامی‌شان نیاز دارند.

سرمایه داران مرفه تر از آنچه که حتی یک کارگر بتواند تصور کند، زندگی می‌کنند. اما آن قسمت از ثروت که به مصرف شخصی انسان می‌رسد، تنها ذره ای از آن چیزی است که انسان در مالکیت خود دارند و کنترل می‌کنند. اما این در مورد فتری که در اتحاد شوروی و دیگر دولت‌های کارگری حکومت می‌کند، صادی نیست. فتر استالینیست نه صاحب کارخانه‌هاست و نه صاحب محصولات این کارخانه‌ها و نه صاحب درآمد ناشی از فروش این محصولات. فتر استالینیست از طریق کنترل سیاسی و اداری، محصول کار را برای رها و مصرف افسران امیر خود، چپ می‌زند. اما بیوزنیست قادر نیست که به ثروت تولیدی جامعه جنگندگی بماند از. قادر نیست وصال تولید در جامعه را به خود با بفرستد. قادر نیست این تسریع را فتر داخل و یا خارج سرمایه گذاری کند. قادر نیست این ثروت را از طریق آرنه بیسه آلود خود منتقل کند. بیوزنیست به صاحب برین است و نه صاحب سهام. طریق غصب‌گری، رشه و تحقه به حیات این فتر همانند یک دیوان سالاری آه‌داری مستقل از ریاست ولایت مخصوص به خود است.

بعنوان مثال، نیکیتا خروشچف می‌تواند از قدرت پانین کشیده شود و به کج کشور و تبهایی فرستاده شود. ایمانی که خروشچف از قدرت افتاد صاحب یک دیوان بازنشستگی برده بود. اما صاحب کارخانه و سرمایه‌داری بیوه در دوران استالین که در آنها امپریالیست کارگر با ظهور خونین تصفه می‌کردند هیچ مالکیت و ثروتی از کشته شدن جاسوسی نمی‌دانند. اما در مورد سرمایه دارها از ظهور بیوسن، راکفتر هیچوقت رئیس جمهور آمریکا نشد. اما ثروت عظیم او برایش این موقعیت و ثمنین می‌گردد که در زمان مرگ صاحب قدرت عظیم سیاسی باشد. او بخشی از طبقه حاکم سرمایه داری امپریالیستی بود و نه یک عضو فتر اداری انگلی. آنچه بیومقیست او را تعیین می‌کرد معیارها در دلار سرمایه ای بود که تحت کنترل و مالکیت او قرار داشت.

لنین توضیحی در کتاب انقلابی که به این عبارت شد، توضیح می‌دهد: "یک بیوزنیست نمی‌تواند موقعیت خود را در انتشار دستگاه دولتی به افتاب خود انتقال دهد. بیوزنیست از اختیارات خود در شکل سوا استفاده از قدرت بیوه می‌برد. درآمد خود را مخفی می‌کند. ظاهر می‌کند که بعنوان یک گروه ممتاز اجتماعی حتی وجود خارجی نسه‌اند. نماینده و جنبه مهم نظامی او درآمد دلاری توسط بیوزنیست غصبت‌السلطه وار اجتماعی دارد."

بر خلاف سرمایه داران، فتر بیوزنیست بر ثروت و اختیارات ناشی از تراکم و گسترش سرمایه استوار نیست. اقتصاد با برانه و طی شده که بیوزنیست مثل زالو از آن می‌کشد از

اجتماعی و اقتصادی و پیشرفت ناشی از انقلاب اجتماعی، باید دفاع کند. نمونه های تاریخی این واقعیت فراوان هستند. طبقه سازش های استالین و هیتلر، کرملین مجبور شد که برای دفاع از اتحاد شوروی در مقابل تهاجم نازی دست به جنگ بزند. در زمان تهاجم نظامی آمریکا علیه کره، یکن مجبور شد که در مقابل حمله آمریکا که هدفش فتح مجدد چین نیز بود، بخیز گسترده وارد صحنه نظامی شود. قشر استالینیت علیه طبقه کارگران و زحمتکشان نیز به بداعمله نخاقتی دست می زد. بخیر نموده می توان از طغیان جاپانستان (۱۹۳۵) و طغیان انقلابی کارگران چکسلواکی همین یک دهه پیش نام برد. در این موارد بوروکراسی از ظهور مکتب مائیزه، حکومت آمیز برای دستکوسراسی و سوسیالیسم در عهد اتحاد شوروی سرسبز شده بود.

تروتسکی نوشت که: «کشورین هر چه جنگ می خواهد و نه انقلاب. به هر تئید که شده نظم، آرامش و حفظ وضع موجود را می خواهد» بوروکراسی در این موارد در وهله اول دائما تحت تئید به امپریالیسم است و تائیدا باید همیشه کارگران و متحدان کنتر خود را خلع و سرکوب شده نگه دارد. در عصر جنگ و انقلاب، بوروکراسی باید همواره بدنیال تهاجمیاد صلح و آرامش شود. بنابراین بدنیال زدوبند با امپریالیسم باشد.

محتوی سیاست بوروکراسی استالینیت همچنان اندازه که تاکنون است، ازجانبی است. در دوران وقوع جنگ دوم جهانی، زمانی که استالین ارتش سرخ را از طریق تحفیها و ازبوند خونین صلا مصلح کرده بدنیال زدوبند با هیتلر بود. تروتسکی نوشت: «اینکه استالین بدنیال قرار از جنگ

است بدین معنی استبداد که جنگه اجسازه خواهد داد تا استالین قرار کند» قشر استالینیت در دسترسجوسی ضد انقلابی خود بدنیال صلح از طریق خوشنود کردن امپریالیسم، خفوت و جنگ طبقی امپریالیسم را تقویت می کند. لفظ گمشدنی انقلاب، گسترش آگاهی کارگران و زحمتکشان، کسب امتیازان هرچه بیشتر در میان مردم - به دیگران به قدر خود است که می توانست سنگریهای دول کارگری را بطریق قشر انگلیسی بوروکراسی در این کشورها در مقابل توطئهها و تهاجمات امپریالیسم حفظ کند.

تئین - در نوامبر ۱۹۱۰ نوشت: «تا زمانیکه سرمایه داری و سوسیالیسم در کنار یکدیگر باقی هستند، ما نمی توانیم در صلح زندگی کنیم. یکی از این دو بالا خیره بوروکراسی گشت. ما مرتبه ای بزرگ جهان سرمایه داری خوانده خواهد شد و پسا در عزای مرگ جمهوری شوروا خواهیم نشست. در خلاف تبلیغات مسومو گنده از سیاست - مداران سرمایه داری در مورد رقابت ایسر قدرت ها، نفوذ طبقی و گسترش طللی اتحاد شوروی، واقعیت ایست که خطری که مسلح جهانی را تهدید می کند، از طرف امپریالیسم است. طرف سیاست لنینیستی انقلابی توسط قشر بوروکرات این خطر را شدت می بخشد. انقلاب عظیم ما در ایران - چه در دوران قبل از بوروکراسی قیام بهمن ماه و چه ادامه آن است. تمام حقایق فوق را اثبات می کند. انقلاب ایران را در امپریالیست ها بخواب می دهد و بدنیال قشر بوروکراسی در اتحاد شوروی می تواند تحمل کند. زان فوج سیاست خود توه در این نکته نهفته است. همگونی می توانیم عمل حمایت حزب توده از جمهوری اسلانی را در همه ابعاد آن درک کنیم.

گ. بوروکراسی اتحاد شوروی، حزب توده و انقلاب ایران

بعده از پیروزی وینام، ما شاهد روندی عمیق از انقلاب اجتماعی در برتغال بودیم - امپریالیسم برتغال، یکی از ضعیف ترین قدرت های امپریالیستی با مائیزه انقلابی میلیون ها کارگر و زحمتکشان برتغالی روسپیرو گشت. امپراطوری استعماری برتغال در آفریقا ازهم پاشید. مائیزه آزاد بخشیدن سیاهان و آفریقا ابرخ گرفت.

با سرنگونی امپراطوری برتغال و مائیزه استقلال طبقات مردم آفریقا، رژیم نژادپرست آفریقا ای جویی در آفریقا تضعیف گشت. حکومت امپریالیستی کرنا ارتش انقلابی خود را برای بازی به مائیزات سیاهان و دیگر کشور های آفریقا علیه برتغال های امپریالیسم آمریکا به دعوت این کشورها، گسیل دادند.

در کشورهای امپریالیستی، مشخصا انگلستان، کارگران طی مائیزه گسترده ای، همزمان با قیام انقلابی بهمن ماه در ایران، قادر گشته که محدودیت های حکومت روسپیرو ۵ درصد ازبند دستمزدها درهم شکنند. امپریالیست ها به خاطر بحران جهانی اقتصاد سرمایه داری متحد شده اند تا کارگران اقتصاد های خود را مجبور به نقل هزینه این بحران کنند. مائیزات کارگری علیه این بدنیالسمه در کشورهای مختلف امپریالیستی موفقیت هاکی کسب کرده است.

در خاورمیانه، امپریالیسم آمریکا فزاینده «صلح» بین صحر و اسرائیل، در حقیقت اتحاد ضد انقلابی آمریکا و اسرائیل را بوجود آورد. اما جنبش فلسطین با انقلاب ایران صیانت نیون محمود گرفته است. در ادامه این روند گسترش پانسیسم انقلاب در صلح جهان طی سالهای اخیر است که انقلاب ایران، یکی از تئیدترین طغیان های اجتماعی قرن حاضر ظاهر میگردد.

سلطنت پهلوی تحت سلطه امپریالیسم جهانی، این پاگانه امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه درهم کوبیده می شود. پیروزی قیام انقلابی بهمن ماه، نه تنها سلطنت تحت حمایت و نگهداری امپریالیسم آمریکا را ازهم می پاشد، بلکه تئید حکومت های سرمایه داری را از پاکستان تا مرستان مسعودی و ترکیه به مخاطره می اندازد.

سرنگونی سلطنت پهلوی دستاوردی عظیم را به همه کارگران و زحمتکشان جهان عرضه می کند. در چنین چارچوبی منطقی است که در اثر انقلاب ایران دولت کارگری در اتحاد شوروی پیروزی محتمل حکم تری بخود گرفته باشد. همینطور هم هست، اما قشر بوروکراتیک حاکم بر سکو از انقلاب هراس دارد. نفسوسه امپریالیسم آمریکا و پاگانه های متحد و نظامی آمریکا در ایران برای بوروکراسی سکو ابتدا خودتائید نبود. اما همه اینها در چارچوب قیامدها و زدوبند های «همینتی سالیست آمر» صورت گرفت، و سکو از رژیم شاه حمایت می کرد. بوروکراسی سکو در این موقع نیز از تمام رویروایستی نداشت.

در عرصه دوران قبل از قیام جمهوری ترکیان دست از حمایت برداشت، اخیرا مائیزات تئیدمانانه مردم در مقابل نفوذ اسانسک و سلسل پیوستی در اتحاد شوروی، تنگنسی می شد. در شرایطی که مائیزه عظیم توده ای جشن شاهانه ۴۰ آبان را در ایران غیر ممکن کرده بود، تلگراف تبریک بزیف به شاه تئیدر روزنامه ها، در اشغال می کرد.

طبق حمایت همه جانبه امپریالیسم آمریکا از شاه، سلطنت پهلوی که به حمایت همه قدرت های جهان می توانست اتکا کند، سرنگون شد. طی این دوره بوروکراسی سکو ذات خود را برای کسانی که می خواهند سینه انداز گشت. زمانی که دولت آمریکا سخن از فرستادن نیروهای نظامی به ایران کرد، بزیف فوراً پاسخ داد. بوروکراسی حفر فرستادن نیروهای نظامی آمریکا در جوار مرزهایش را حس می کرد و عکس العمل نشان می داد. لحن اعلامیه ها رسمی شوروی علیه تئید بدات آمریکا در بر دخالت نظامی در ایران از هرچه بوروکراسی علیه آمریکا در تمام بدت جنگه وینام گفته بود، شد به تیر بود. اما طبقه حاکم آمریکا نیز دقیقاً عصبانیت واقعی خود را در مقابل انقلاب ایران به نمایش گذاشت. یکی از محبتین دست - نشانده گان واشنگتن سیموله گنده های پیک انقلاب توده ای از دیوارش سپون زانده شد. تمام دستگاه عیوف ارتشی و مائیک دست - بزیف، مائیک و امپریالیسم آمریکا در ایران منحل شد. شریات سیمگین شد، و کارتر و طبقه حاکم آمریکا طبقه قدرت نظامی عظیمی که در اختیار داشتند، قادر به جلوگیری از این امر نشدند.

سرنگونی سلطنت پهلوی در ایران، صد استبداد خونین را از راه کارگران و زحمتکشان ایران برداشت. با سرنگونی سلطنت، روزه مردم بحیث ایران برای حاکمیت خود، برای رویبندن تگله بلیدی های ناشی از نظام سرمایه داری تحت سلطه امپریالیسم در ایران، آغاز گشت. این نیز واقعیتی است که برای بوروکراسی سکو در جوار مرزهایش قابل تحمل نیست.

در شرایط مشابه انقلابی ۶۹ سال پیش در روسیه تزاری، انقلابیون سوسیالیست در حزب بلشویک، تحت رهبری لنین و تروتسکی، برای گسترش ساریان های توده ای، تکل استدین کارگران، دهقانان و سربازان، تشکیل دادند. قدرت در شوراهای آنان کوشیدند و بالا خیره بر نظام روسیه، سرمایه داری و همه بدنیستی - ها و ولایت های ناشی از آن برپوش شدند. در اثر انقلاب تئید در روسیه حکومتی سرپاید، داری بقدرت رسید. همانطور که در ایران پس

از قیام بهمن ماه حکومت سرمایه داری ساخت قدرت توده ای، بود. نیروهای سیاسی مختلف که تحت لفاظی سوسیالیستی حکومت های بی در پی سرمایه داران در روسیه را بعد از سرنگونی تزار، حکومت مردم خواندند، اساسا لنین و تروتسکی و برتندگان حزب بلشویک حقیقت را گفتند. گفتند که این حکومت ها سرمایه داری است و به منافع و نیازهای زحمتکشان پاسخ نخواهد داد. نیروهای فرصت طلب و سازشکار «سوسیالیست» مندوک ها و سوسیال رولوسیونرها، بسرای تحکیم حکومت های سرمایه داری کوشیدند. این هدف را میان زحمتکشان تبلیغ کردند. اما بلشویک ها از خواست ها، سببازات و ساریان های توده ای، زحمتکش، کارگر، سرباز و دهقان آغاز کردند. برای تحکیم این مبارزات کوشیدند. حکومت های سرمایه داری روسیه بعد از سرنگونی تزار، به مردم عیان زده که از جنگ اول جهانی خسته بودند. صلح می دادند. بلشویک ها دست به تشکیک زحمتکشان برای حصول صلح زدند. حکومت به مردم تقاضای رنجده به دهه ۲۰ می داد. به روسانقلاب وده ۳۰ زمین می داد. به ملیت های سنده به روسیه وده ۴۰ آزادی می داد. به بیگانان وده ۵۰ کار می داد. اما بلشویک ها به متکل کرده توده کارگر و زحمتکش دست زدند. بلشویک ها این حاکمات را تبلیغ و ترویج کردند که خلاف روسیه بعد از سرنگونی تزار لفظ از طریق مائیزه توده ای علیه زحمتکشان قابل صلح است. همانطور که سرنگونی تزار از طریق مائیزه عظیم توده ای دهقان، و سرباز به آید.

۶۲ سال بعد، در جهانی بسیار متفاوت، در شرایطی بسیار مطلوب نسرا از رابطه نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در صلح جهانی، در کشورهای مائیزه طبقاتی بسیار کارگران و سنده بگان ایران برای رهائی از فقر، اعتناق و نفوذ امپریالیستی سس آمد. انقلابیون سوسیالیست با طبقه تبلیغ، ترویج و ساریان های مبارزات افشار و طبقات ستم - دنده و استثمار شده روسیه هستند. اساسا بوروکراسی سکو که ماسک «سوسیالیسم» بر چهره داشته از صیانت تر شدن انقلابی که در سرنگونی استبداد بوقی شده، می هراسد. فریادبان سکو در نتیجه هدف تحکیم حکومت سرمایه داری را در ایران دنبال می کنند. بوروکراسی سکو می خواهد که نظام انقلابی در جوار مرزهایش پایان یابد. نسیم عیوشن انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران برایش هوشیاری است. در نتیجه شش سکو حمایت از صیوری اسلامی تئیدین می شود. و همیروخوب توده فوراً کاسه از آش داغ ترسی شود. در این میان بسیاری از مائیزاتی که برای برقراری نظام انقلابی اقتصادی و اجتماعی ناشی از انقلاب اکثر به اشیا به حزب توده جلب شده اند، گنج و صیونت خود.

در تمام دوران قبل از ۶۸ مرداد نیز که کارگران و زحمتکشان ایران برای رهائی از قید نظام روسیه، تحمل شده از طرف امپریالیسم به مبارزات اجتماعی آوردند، همینطور بود. حزب توده با نفوذ خود مبارزات توده انقلابی را تابع منافع قشر بوروکراسی سکو و نیازهای سرمایه داری ایران کرد تا همه قوت انقلابی توده از میان رفت و ارتجاع ۶۸ مرداد پیروزی گشت.

اما امروز جهان غرق می کند. عصبانیت امپریالیسم در صلح جهانی لفظ بیگ جنبه جهانی است. امپریالیسم نیز در سطح جهانی تضعیف شده است. برخلاف دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد، در ساریان نیز اوضاع دیگر آنچنان برپوش مراد استالینیت نیست. بخصوص که سوسیالیسم انقلابی در بنیه در وضعه ۹۱



عراق گستان

تفاهت است که نیروهای کوبا و شوروی در این جنگ شرکت داشته اند - مع الوصف تا کنون کوچکترین مددگری که ثابت نماید این نیروها در جنگ شرکت کرده اند - ارائه شده است - در واقع کلیه مدارک حاکی از این امر است که این جنگ بخاطر تحریکات امپریالیسم و برای گسترش نفوذ نظامی آن در این منطقه صورت گرفته است - درست پس از آغاز برخورد های صریح روزنامه نیویورک تاخیر از قول یکی از مقامات عالی آمریکا نوشت: گزارش رسیده است که بین شمالی به دولت مارکسیست پسین جنوبی حمله نموده است -

خطر امپریالیسم در منطقه

اگرچه بریتانیا سعودی پیشینه ها و ادات آمریکا برای ارسال جت های اف - ۱۵ را رد نمود و در جنگ شرکت نکرد و اگرچه سرانجام آتش بین مابین بن شمالی و بن جنوبی برقرار شد - مع الوصف ایالات متحده همانطور که از قبل برنامه ریزی کرده بود - از این برخورد نظامی استفاده نموده است تا به تقویت نیروهای خود در این منطقه بپردازد - هم اکنون ایالات متحده دست به تأسیس ناوگان پنجم در اقیانوس هند و توفیق یافته با یک نظامی خود در جزیره "دیوگر گارسیا" واقع در همین اقیانوس رده است - واضح است که این اقدامات بدون توجه به سقوط حکومت شاه و پیروزی انقلاب ایران نبوده است - در واقع افزایش نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا در این منطقه خطری مستقیم برای انقلاب ایران بشمار می رود -

طی یک حمله مستقیم به سطح زندگی و معاش های طبقه کارگر صورت پذیرد - با این ننگه داشتن دستبرها - کم کردن و یا در مرحله ای از بین بردن خدمات اجتماعی - افزایش مالیات ها که منجر به سقوط توده خرید کارگران می شود - و بیشتر از همه از بین بردن بخش های که ناب وارد شدن در رقابت جهانی بین داخلی و ندارند که نتیجه آن از کارباز شدن توده های چند صد هزار نفری کارگران می شود -

در رابطه با صنایع فولاد - به تقسیم ۲۰۰۰ کارگر از سال ۱۹۷۲ تا ۷۸ یکساز شده بودند و در دسامبر ۷۸ حکومت اسلام کرد که بیش از ۲۰ هزار کارگر نا سالم ۱۸۰ بیگار خوانده شد - همچنین در بخشهای دیگر صنعت که وابسته به صنایع فولاد هستند بیگار کردن کارگران ادامه دارد - در اعتراض به سیاست ضد کارگری دولت - اولین اعتصاب عموس در ۱۱ ژانویه ۱۹۷۹ اعلام شد که تمام توده در صنعه ۱۵

واشنگتن به جنگ علیه یمن جنوبی دامن میزند

تا به - اعلام کرد که این پیشنهاد "منظور تسهیل مداخله احتمالی عربستان سعودی در جنگ با یمن شمالی و بن جنوبی صورت گرفته است -"

و بالاخره در تاریخ ۱۷ اشد کارتر یک قدم دیگر برای تشویق عربستان سعودی به شرکت در این جنگ برداشت - در آنروز سیاستمداران امپریالیست ایالات متحده - در هواپیماهای جاسوس بیچون به راه بسته عربستان سعودی اعزام داشته - از اینگونه هواپیماها برای هدایت بمباران های هوایی و راهنمایی نیروهای زمینی استفاده می شود -

منافع امپریالیسم

با پیروزی انقلاب ایران - سیاستمداران ایالات متحده به این نتیجه رسیده اند که امکان طغیان های انقلابی مشابهی می تواند عربستان سعودی و کشورهای دیگر در نفت خیز را در برگیرد - این تئوری امپریالیست ها - از هنگام سقوط هیلاسلیس در اتیوپی در سال ۱۹۵۲ توسط یک طغیان انقلابی آغاز شده - و با شکست ارتش متجاوز سوئالیسی در توسط ایالات متحده حمایت می شد - در حله به اتیوپی توفیق گشت - یک عامل مهم در شکست سوئالی گناه نیروهای نظامی کوبا بود که هم اکنون نیز در اتیوپی و بن جنوبی حضور دارند -

در یک جنبش اوضاعی که انقلاب متناهی امپریالیسم را در این منطقه تهدید می نماید و ارتش انقلابی کوبا به کمک این انقلابیست - و موجب ترسها که کشاکش امپریالیست ها - آمریکا جرمی نموده - تا یکبار دیگر خود را برای مداخله نظامی در این کشور همسایه و سرکوبی انقلابی بکار اندازد - امکان پیروز شکست آمریکا در بنام - امکان مداخله نظامی آمریکا در خارج از مرزهای خود - بخاطر مخالفت توده مردم آمریکا با این عمل - از امپریالیسم آمریکا خسته شده است - ولی واشنگتن از هیچ فرصت و بهانه ای برای دست زدن به مداخلات

با آغاز برخورد های نظامی مابین یمن شمالی و بن جنوبی در اوایل اشد سبانه گذشته - امپریالیسم آمریکا از طریق سرازیر کردن سبل اسلحه به یمن شمالی و اعزام و دریای عربستان - یکبار دیگر با سیاست جنگ طلبانه خود تا چند قدمی یک برخورد نظامی جدید پیشرفت -

در روز ۱۸ اشد کارتر - رئیس جمهور آمریکا با اعلام شرایط "اضطراری" و بدون مشورت با کنگره آمریکا به وزارت دفاع ایمن کشور دستور داد تا به ۱۶ جت اف - ۱۵ - ۵۰ تا ۶۰ تا یک ام - ۶۰ و پنجاه غیر مسلح را برای حمل به یمن شمالی تحویل عربستان سعودی بدهد -

تلا در روز ۱۷ اشد - وزارت امور خارجه آمریکا با اعلام اینکه ملی آمریکا در این منطقه به خطر افتاده است - شروع به آماده نمودن صحنه سیاسی برای مداخله نظامی خود کرد - در همان روز حکومت عربستان سعودی در همانند ریح سبانه از دست نشاندهگان امپریالیسم آمریکا است - ارتش خود را به حالت آماده باش درآورد و ۲۵۰ نفر از سربازان خود را که در لبنان مستقر شده بودند - به عربستان سعودی بازگرداند -

چند اقدام دیگر بلافاصله صورت گرفت - جت های عظیم حمل و نقل نیروی هوایی آمریکا تعداد ۷۰۰۰ پوتک ضد جنگ و وسع عدم خرابه را انداز هوایی به متحصنا پایتخت یمن شمالی حمل نمودند -

در روز ۱۵ اشد یک ناوتکسین و دو کشتی جنگی به بندر حیویتی که تسبیحا در کشت این واقعه دارد - وارد شدند - همچنین در روز ۱۵ اشد - اطلاعات - دولت آمریکا اعلام نمودند که ناو هواپیمابر "دالیسیان" یک کشتی موشک انداز و یک ناوتکسین موشک انداز از غم منطقه شده است - در روز ۱۶ اشد کاج طبقه واتنگسین آبادگی خود را برای ارسال بند کارگران از جنوبی ایمن - ۱۵ به عربستان سعودی اعزام کرد - ایالات متحده که علاوه دانسیست عربستان سعودی در این جنگ درگیر

عظیم ترین بسیج کارگری بعد از ماه مه ۱۹۶۸ در فرانسه



کارگران فرانسه به سیاست های ضد کارگری دولت فرانسه اعتراض می کنند -

در طی سه ماه گذشته فرانسه شاهد موج نوین و وسیعی از مبارزات کارگری در بخش فولاد و همچنین در شرکت های بیمه - پست و تلگراف - راه آهن و تلویزیون بوده است - این مبارزات بخصوص روابط واقعی نیروها را بین طبقات متخاصم که به نفع طبقه کارگر نشان داد و آشکارا دیده شد که تا چه اندازه با به های اجتماعی سرمایه داران عظیم پیوسته که در انتخابات مارس ۱۹۷۸ بدست آورده بودند - ضعیف است - این قدرت سرمایه داران نمود که آنان را در انتخابات مارس ۷۸ به پیوستی رساند بلکه پیوستی بدلیل تفرقه بین حزب کمونیست و حزب سوسیالیست (و همچنین از حمایت اکثریت طبقه کارگر برخوردارند) - تصعب آنان شد - احزاب سنتی طبقه کارگر بار دیگر بر ایرانی و سیاست خائنه خود را ثابت کردند - ثابت کردند که حاضر به در دست گرفتن قدرت در جهت پیشبرد منافع طبقه کارگر هستند حتی اگر پیوستی در دو قدمی شان باشد - شکست

احزاب کارگری در انتخابات اگرچه برای بدنی پیشگامان و رزندگان طبقه کارگر را در جاسار باس و گنجی کرد ولی بسیج جوان به معنای شکست تا ریخی طبقه کارگر نبود - حکومت فرانسه با استفاده از تفرقه بین احزاب سنتی کارگری و باس بخش از پیشگامان طبقه کارگر

از یک طرفه و تکیه به اکثریت پارلمانی که در اثر پیوستی انتخابات مارس ۱۹۷۸ بدست آورده بود از طرف دیگر - سعی در بازسازی اقتضای سرمایه داری پسران زده فرانسه می کرد - حده به حیات اقتضای پسران زده - از نقطه نظر سرمایه داران لفظ می توانست از

بازگشت لنین به روسیه

نقطه عطفی در تاریخ بشر

علی گنسانی



لنین در حال سخنرانی در روزهای آوریل

لنین یک روز پس از ورودش به روسیه یعنی در روز ۴ آوریل تهرانی معروف خود را بهیتر نوشته به حزب گرفته کرد. پیام لنین بهیتر خلاصه چنین بود:

حکومتی که پس از سقوط تزار بر سرکار آمده، حکومت ما نیست، جنگی که به آن ادامه می دهد جنگ ما نیست، و فلسفه پشتوینها سرنگونی این حکومت سوزناک است و فقط در این صورت است که به جنگ امپریالیستی خاتمه داده خواهد شد. ولی این حکومت مورد تأیید احزاب منشیست و سوسیال رولوسیونر است و آنها از اقتصاد و حمایت اکثریت های کارگر و دهقان برخوردارند. در نتیجه ما یک اقلیت را تشکیل می دهیم و به هیچوجه نیابت به خودت برای سرنگونی حکومت فعلی و سده زینم. ما با پستی به تودها نشان دهیم که آنان نیابت از این احزاب سوسیالیست و نه اقلین جنگ پشتویانی کنند. ما با پستی سوادها عقاید خود را توضیح دهیم و سعی کنیم اکثریت را تابع ما سازیم. موفقیت این نیابت که شرایط فعلی آنرا اجتناب نپذیرد، قطعی است. به دیگران بپوشانید این شعار خواهد شد و ما را از سرنگونی سوسیالیست از این فرار خواهد پرسید. ما سربازان آری را از این خواهیم برد و تزار. دادهای بحرانی، حکومت سوزناک آری را فانی خواهیم کرد. ما از کارگران سوسیالیست جهان خواهیم خواست که از پیروزی خود بیزد و به جنگ خانه دهند. ما انقلابی با جهانی را آغاز نموده ایم. ما با پستی با بین الملل دوم (سازمان جهانی در پی گرفته احزاب سوسیال دموکرات و اراکولم و بین الملل سوم) با پایه برزی کنیم.

فصلی که تلافت شد، پشتویها قبل موضعیت انقلابی نسبت به حکومت ایجاد نموده بودند ولی هیچگاه فکر سرنگونی آن و کسب قدرت توسط طبقه کارگر را بخود راه نداده بودند. در زمان چند روز قبلی از روزی لنین در کنفرانس نمایندگان پشتویها آریا پس از خود از حکومت بوقت را چنین اعلام کرده بود: "قدرت ما بین دو ارگان تقسیم شده است و هیچکس قدرت کامل را در اختیار ندارد. ما بین آنها ظاهر و مجاز است صورت میگیرد و ما پستی به بگیریم. وظایف تقسیم شده است. تزار در حقیقت اینکسار رهبران انقلابی را بعهده گرفته است. تزار رهبران انقلابی قیام مردم است. ارگانی است که حکومت بوقت را کنترل می نماید. حکومت بوقت وظیفه حکم و دستاورد های سوسیال انقلابی را بعهده گرفته است. از نظر استانی فقط تقسیم وظایف بود تزاری حکومت مطرح بود و نه کسب قدرت توسط تزارها و به علاوه حکومت سربا به آری سبه بعنوان یک نیروی ضد انقلابی بلکه بعنوان حکم کننده " دستاورد های انقلابی" معرفی شده بود.

بر خلاف پیشنهادات لنین مبنی بر تأسیس بین الملل سوم، استانی در همان

کنفرانس و قبل از ورود لنین پیشنهاد ایجاد بین منشوک ها را بسته به بین الملل دوم و منشوک ها را مطرح ساخته بود و اعتراض به اینک اختلافات فصل است اظهار داشته بود: "حیات داخلی حزب به این رسیده اختلاف یعنی نیاجه داشت. ما از اختلافات جزئی صرف نظر خواهیم کرد. همین اختلافات جزئی هستند. ما به پشتویها و منشوک ها را در روزی جمیع جنگ داخلی قرار داد. یکی به حاکمیت از زحمتکاران روسیه دیگری به حمایت از امپریالیست جهانی.

از اینجور بود که پیشفشار استانی پس از این "سوسیالیست ها" و حسی رهبران حزب پشتویک در آن موقع رویو شد. "گلدبرگ" یکی از اعضای سابق کمیته مرکزی حزب پشتویک که در آن موقع حزب را ترک کرده بود گفت که لنین از اینجور است. "زین بروف" یکی از رهبران سوسیال رولوسیونر نوشت که همه لنین را به سخره گرفتند. "ویدهای دیگور" و "مردی که نشانی به پایان رسیده است" خوانده اند. حتی بهرمان سفر انگلستان در روسیه نوشت: "در میان آنارشیست های [] تازه وارد یکی لنین است که با رفتار در صحنه از آلمان وارد شده است. او اولین صحیحی ظنی خود را در یک جلسه حزب سوسیال-دموکرات بود و به طرز سوزناک آن استقبال شد.

حتی خود پشتویک ها هم از "تزهاری آوریل" لنین استقبال نکردند. "وگیش" اعضای رهبری حزب پشتویک مخالفت خود را با آن اعلام نمودند. حتی زینویف هم که با لنین وارد شده بود و به مدت دو سال با یکدیگر خارج فعالیت مشترک داشتند. جزات نکرد از او علنا حمایت کند.

سوز بریان بزبان پشتویکی میگوید (استانی و گانشف) حتی از چاپ تزهاری لنین هرمان بودند و پس از مدت هسیا تود بود. در روز ۸ آوریل آنرا بچاپ رساندند و در یاداشتی بصورت علنی مخالفت خود را با آن اعلام نمودند. آنها اعلام نمودند: "از آنجانبه طرح های کلی رابین-لین-با این فرض از این میگرد که انقلاب سوسیالیست دموکراتیک به پایان رسیده است و بنا بر این تغییر تیزی این انقلاب به اقتضای سوسیالیستی قرار می دهد. این طرح هسیا نظرها با غیر قابل قبول می رسد.

بدین ترتیب یعنی در حزب پشتویک در گرفت که در آن "رهبران قدیمی" حزب پشتویک و چهیوس گانشف، طبقه تزاری لنین صف آری می نمودند. در مرکز تزاری این عده که خود را "پشتویک های قدیمی" می نامیدند این موضوع قرار داشت که حزب پشتویک و خود لنین از سال ۱۹۰۵ اشعارش ایجاد "دموکراتیک سوسیالیست روسیه" دهقانان بوده است. این این شعار را در کتاب "دموکراتیک سوسیال دموکراسی" طرح کرده است. و با وجود آن در یک

چنین دیکتاتوری مسائل دموکراتیک از قبیل اصلاحات ارضی و مسأله ملیت های سنده به ابتدا حل خواهد گشت و سپس به سوسیال و انقلاب سوسیالیستی پیش خواهیم رفت. پشتویک های قدیمی "تزهاری آوریل" را به این دلیل مردود می دانستند که هنوز انقلاب پرولتری دموکراتیک (اصلاحات ارضی و غیره) آغاز نگشته ولی لنین می خواهد حزب را برای انقلاب سوسیالیستی آماده سازد.

در جواب به این اعتراضات لنین به دفاع از مواضع خود بپرداخت و در مقالات متعدد طی مقاله عریه را مطرح ساخت. همچنین آنها تعدادی از تحت عنوان "نامه ها" در "پارچه" انگلیک ۲ مجومه انتشار دادند. در این مقاله، لنین ابتدا با اشاره به اینک مارکسیسم همیشه از تحلیل اوضاع مشخص و راجعه طبقات آغاز می نماید.

در کتابی انگلیسی هیتس می گفتند که "تئوری راهشانی عمل است" و به درستی گمانی را که تنها به حفظ کردن "فرمول" می رود اختصا به یاد تسخر می گرداند. "مسیانین موضوع را به "پشتویک های قدیمی" ربط می دهد: "افراد که انگلیس خود را پشتویک های قدیمی" می نامند با برد و فریاد اعتراض می کنند که مگر ما هزاره گفتاریم که انقلاب پرولتری دموکراتیک تنها از طریق دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی پرولتری و دهقانان کامل خواهد شد. آیا این صحت ندارد که انقلاب ارضی که خود جز انقلاب پرولتری دموکراتیک است هنوز حتی آغاز هم نشده است؟ لنین در جواب به این سؤال چنینی ادعا می دهد:

"جواب من اینست: صحت شمارها و نظایر پشتویک ها نظیر کتی و در اینجور ثابت شده اند ولی مشخصا واضح طور دیگری رخ داده اند و اصل ترو مقابله و نگارگری از آن هستند که کسی میتواند تصور آنرا بنماید.

لنین سپس صلابت خود را شرحه استانی و گانشف می نماید "اوپوزیشن خود این واقعیت یعنی استانی دریا به روی آن "پشتویک های قدیمی" است که پیش از یکبار چنین نقیض آسف باری در تاریخ حزب ما با تزارین معنای فرمول های که از پیرو عادت یاد گرفته اند. بسیاری نمودارند. آنها اینکار را بجای مطالعه و تحقیقات مشخص و تحقیقات عمده و زنده می کنند.

لنین سپس اشاره می نماید که فرمول "دموکراتیک سوسیالیست پرولتری" دهقانان "قطعه راجعه" طبقات استانی می نماید و نه به شکل مشخصی که این راجعه عملی خواهد شد (تزارها) از اینجور چنین ادعا می دهد. "این فرمول دیگر عتیقه شده است."

واقع آنرا از فرمول بودن به واقعیت تبدیل کرده اند. به آن گوشه و استخوان و لباس پوشانده اند. آنرا مشخص نموده و در نتیجه آنرا تغییر داده اند. لنین اشاره می کند که صلابت از شعار فرقی معنای حیات از حکومت بوقت است. "انگلیس که اینجور صحت از دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی پرولتری" و دهقانان بنماید. از زمان عقب مانده اند. در نتیجه در عمل بطرف عریه پرولتری و طبقه سوزناک به آریوش "پشتویک ها" سپرد. (می توانم استانی را بگذاریم از این "پشتویک های قدیمی")

در مورد اینکه انقلاب پرولتری دموکراتیک چگونه انجام خواهد شد، لنین می نویسد که حل مسأله ارضی همانطور که نشان داده شده است نقطه از طریق کسب قدرت توسط تزارها داده بود. امثال بدو است. در این میان پرولتری "زین" اساس را بازی خواهد نمود و در حقیقت دیکتاتوری پرولتری برقرار خواهد شد. تحت سلطه پرولتری است که مسأله ارضی حل خواهد گشت.

مواضع ترولسکی

تروسکی از همان سالهای ۱۹۰۵ پس از بعد در کتاب "تاریخ و چشم انداز" خود پیش بینی نموده بود که فقط طبقه پرولتری قادر به حل مسائل دموکراتیک جامعه روسیه خواهد بود. این تئوری که "انقلاب بگیر" نام دارد بعد از زمانی تحت نام توسط ترولسکی چنین توضیح داده شد: "در راجعه با کشورهای که توسعه پرولتری آنها به تأخیر افتاد است، خصوصا در کشورهای صنعتی و نیمه صنعتی، تئوری انقلاب بگیر، به این معنی است که تحلیف کامل و حقیقی پرولتری و آریوش طبقه توسط سوسیال دیکتاتوری پرولتری بعنوان رهبر ملت سنده به و مخصوصا توده های دهقان قابل تصور می باشد.

"هر قدر هم اولین مراحل گذر از انقلاب در کشورهای جداگانه، مختلف باشد، تحقق اتحاد انقلابی میان پرولتریسم و دهقانان فقط تحت رهبری میانیست ها، طبقه کارگر که در حزب کمونیست نشان داده باشد. قابل تصور است و این نیز نتیجه خود به آن معنی است که پرولتری انقلاب دموکراتیک فقط توسط دیکتاتوری پرولتری امکان پذیر است که خود به اتحاد با دهقانان متکس می باشد و قبل از هر چیز وظایف دموکراتیک حل خواهد کرد.

پس از سرنگونی تزار در "انقلاب ارضی"، ترولسکی که در اوتیو در تبعیست در ایالات متحده بسر می برد، خارج روسیه شد ولی در راه توسط قوای متفقین دستگیر شد و در زندان ۱۲

آموزش سوسیالیستی

حمایت مادی و حمایت سیاسی

در برخی از حالات کارگر، کثرت از حکومت آقای بازرگان بعنوان یک حکومت سرمایه داری نام برده شده است. حکومتی که حافظ منافع سرمایه داران و فروشندهان است و نه کارگران، روزمندان و توده ستمدیده.

در همین حال در حرفه های تخصصی کارگر، اعلام شده است که سوسیالیست ها از حکومت کنونی ایران در مقابل حمله نیروهای امپریالیستی و توطئه چنین نیروهای دست راستی بهر وسیله دفاع می کنند.

تاگر بر این سؤال مطرح می شود که سوسیالیست ها به چه مقیوس از حکومتی که حکومت فروتنانه است دفاع می کنند و از کدام جهات از دفاع و حمایت از آن سرباز می زنند؟ جواب به این سؤال در گروه طبقه و موقعیت جداگانه، یعنی حمایت مادی و حمایت سیاسی است.

سوسیالیست ها از حکومت آقای بازرگان در مقابل حملات دست راستی ها، مطلقیت طلبان، امپریالیست ها که با موقوف سلطنت شاهنشاهی به منظور ایجاد و حتی بسط یک رژیم از دمیسه چینی دست برنمی دارند، حمایت مادی می کنند. و از کارگران و زمینداران ایران نیز دعوت می کنند که در این حکومت از مقابل نیروهای ارتجاعی حمایت مادی نکنند یعنی منابع مادی و نیروی انسانی خود را در مقابل توده بی گناه ارتجاعی در دفاع از این حکومت بسیج نکنند. چرا که این حکومت اگرچه حکومت سرمایه داران و فروشندهان است لکن با رژیم سلطنت یکپارچه نیست، تقابلی هم با دستگاه سرکوب دولت، ارتش و پلیس، زاپاس فریادها می آید و مردم گریه و مظلومت

مردم زمینکنان ایران را تحت الشعاع ملاحظاتی متابع سرمایه داران و زمینداران قرار می دهد. قوه ای اقتدار در این برنامه جای نیست.

سوسیالیست ها بجای حمایت از برنامه سیاسی بازرگان و دیگر سیاستمداران سرمایه داری، می گویند تا کارگران و جمعیت زمینکنان را به برنامه انقلابی خود جلب کنند، زیرا تنها وسیله به دور بند برنامه انقلابی قادر است، ریشه های نفوذ امپریالیست را قطع کرده، آزادی، دموکراسی، استقلال واقعی و امکان رفاهی از چنگ فقر، عقب ماندگی تاریخی را فراهم آورد.

برخلاف برنامه آقای بازرگان که روستاییان ترکمن را سرکوب می کند، سوسیالیست ها خواستار تقسیم عمیق زمین بین روستاییان فقیر هستند. برای اینست که سوسیالیست ها از جمله برای بخش خطی میزبانان اجتماعی از جمله مبارزان ترکمن ها می گویند، برخلاف برنامه حکومت کنونی که کردها و ترکمن ها و سایر ملل ستمدیده ایران را سرکوب می کند، سوسیالیست ها می خواهند که ملاقاتنامه حقوق ملی کلیه خلق های تحت ستم ایران رسمیت بخشد.

سوسیالیست ها می خواهند که در ارضی قدرتیهای امپریالیست بدون تکیه بر فراموش ملی شود، گشایش تولید بدست کارگران برود، شود. این وظیفه کارگران بنگار نیست که محسور کنند باید ملاقاتنامه برای آنها کار ایجاد شود وغیره وغیره.

لذا، حمایت سیاسی کردن از حکومت کنونی بمعنای تزیین گذاشتن این برنامه خواهد

سرمایه داران و امپریالیست را همه جا کنترل ساخت، سرمایه داران به حکومت چه بد پناه برونند ولی این حکومت مطلوب ترین نسوع حکومت آنان نیست. برای اینکه زیر کارفرما در کارخانه بیتر اعمال گردد، سرمایه داران خواستار حکومتی نظیر سلطنت هستند. زمینداران و مالکین بزرگ گریه از حمایت حکومت کنونی هم برخوردارند، لکن این برایشان کافی نیست. برای منکوب کردن روستاییانی که زمین های غصب شده شان را پس گرفته اند، یا مالکین به زانده ایمن نظیر زانداران های سلطنت نیازمندند. اما حکومت آقای بازرگان نمی تواند این نیازهای سرمایه داران و فروشندهان را تأمین کند. نتیجتاً در این صورت که برای امپریالیست بیرون طبع این حکومت توطئه می بینند و برای بازگشت به دوران گذشته تفرقه می بریزند.

کارگران و زمینداران تفاوت حکومت کنونی با رژیم سابق را با گوشه و پیوسته خود احساس می کنند. می بینند که تحت این حکومت براب آماتر نمی تواند برای خواست های بحق خود مبارزه کند و همچنان با وجود عدم اطمینانی که به این حکومت دارند می خواهند از آن دفاع کنند. همین دلایل نیز سوسیالیست ها از این حکومت حمایت مادی نکنند اما سوسیالیست ها نه از این حکومت و نه از هیچ حکومت سرمایه دار دیگری حمایت سیاسی نمی کنند. یعنی از برنامه سیاسی حکومت آقای بازرگان ابراه می کنند. حمایت مادی و عقلا اعلام می کنند که راه حل های سیاسی که این حکومت ارائه می کند، منافع مبارزه همه امپریالیستی و ضد سرمایه داری

حسن با بود و این درگاه مبارزه بگیر برای قطع سرخ امپریالیسم است ایجاد خواهد کرد. انقلابیون سوسیالیست نمی توانند از حکومت سرمایه داری حمایت سیاسی کنند. آنان، ملیت های ستمدیده، جوانان، زنان، دستگاه حکومت را بدست خود بگیرند و ساختن جامعه ای جدید را بر اساس تخصص و اقتصاد برنامه ریزی شده آغاز کنند. این هدف اساسی و تاریخی همه مبارکست هاست. اگر بجای حکومت آتشی بازرگان حکومتی متشکل از نمایندگان واقعی کارگران، دهقانان و توده های ستمدیده زمام قدرت را در دست داشت و واقعا دست به اقدامات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری می زد، واقعا با منافع سرمایه داران و زمینداران قطع رابطه می کرد و در جهت آزادیهای جامعه ای جدید پیش می رفت. از خصوصیت سوسیالیست ها حمایت خود را از چنین حکومتی اعلام می کردند و در جهت پیشرفت سرخ و صیقل تر اقدامات انقلابی چنین حکومتی گام بر می داشتند. اما تجربه طبله کارگر در فون گذشته نشان داده است که برای رسیدن به این هدف لازم است که آگاه ترین کارگران خود را در یک حزب انقلابی سازمان دهند. در این رابطه، انقلابیون، حمایت سیاسی و اقتصاد خود را تنها در اختیار این کسانی قرار می دهند که خواستار تحقق سوسیالیستی جامعه هستند و بیچین چنین برای اجزای بنگار خود را در حزب انقلابی حزب کارگران سوسیالیست سازمان داده اند.



تزییناتن اشغالهای بی زمین را جابجایی

دست به عمل بزنند. او می تواند صحبت کند و ملی نمی تواند بپیل کند. ولی شما هنوز این حرف ها را باور نمی کنید. وقت خود را تلف می کنید که به او فرصت بدهید و در این زمینه هم درست عمل نکنید. دست به کار نشوید. خیلی خوب وقت خود را تلف کنید. بفرموی که وقتش فرا رسیده، بویسمیک حاضر شدی دست به عمل بزنید، می خواهان حکومتی بودید که نه تنها در فکر سوسیالیسم بود، بلکه عمل می کرد. آنوقت می که خواهان حکومتی بودید که سوسیالیسم مبارزه با روشنفکران بشوید. شما می خواهید.

آنها هم به تدریج متقاعد شدند. به حزب پیشرویی روی آوردند و انقلاب سوسیالیستی اکثر ۱۹۱۷ را آماده شد.

برای متقاعد ساختن طبقه کارگر است. ذکر می کند، وی که به یکی از جلسات سخنرانی لندن رفته بود چنین می گوید:

«بزرگ من توانستم به آندها کافی به او نزدیک شوم تا سخنانش را بشنوم، واضح بود که جمعیت از دست گرسنگی آریس حکومت بود. ناراضی است. زیرا او کاری انجام نمی داد. و به مردم نیز نصیحت می کرد. به خانه های خود پیوسته و کارکنند و وقت خود را صرف ایجاد حکومت خود نکنند. خرچشم من بعد از سخنرانی چند موضوع نیز برای شرح زهر برای من تکرار کرد:

«وقتا انقلاب در کار است، انقلاب کارگران در کار است، ولی شما دست به کار نشوید. انقلاب کارگران و دهقانان یعنی دست بکار شدن رفا، نه بیگاری و تفریح. این یک ایده آل بورژوازی است. انقلاب کارگران، حکومت کارگران یعنی دست بکار شدن، یعنی همه مردم دست بکار بشوند، و شما دست بکار نمی شوید. شما فقط صحبت می کنید...»

من این را می فهمم که شما گرسنگی را دوست دارید، به او اقتدار می دهید و امیدوارا به او دست اید، شما می خواهید با او صحبت بدهید تا کاری کند. شما می گویند او نیتش پاک است. او سوسیالیسم می خواهد. ولی من به شما اختصار می کنم گرسنگی سوسیالیسم می آید. او احتمالاً در فکر سوسیالیسم است. احتمالاً سوسیالیسم می خواهد. ولی رفا... و در اینجا نیتش مثل آتش می سوخت. من به شما می گویم گرسنگی یک پیشتر است. او قادر نیست

است که او در چنین که آنگه در ساختن دست داشت دارای اعتبار قطعی بود و وقتا عقاید او بسیار زیاد بود. ولی عوامل دیگری هم وجود داشت.

زیر بزرگ در پروسه مبارزه سخن علیه مشروطیت ها و آتش ناپذیری با سرمایه داران ساخته شده بود. در نتیجه پایسه کارگری حزب که خواهان مبارزه علیه حکومت سرمایه داری بود به لندن پاسخ می داد. او احساس طبقاتی و انیال آتاسورا نمکس می کرد.

بعده به نظر می رسد که بدون وجود لندن، حزب پیشرویی می توانست مسیر سیاسی خود را بسوزد کافی و برای عمل تقویست سر دهد. در همین حال لندن اگر نتوانست بود حزب را تابع سازد به آدمی تبدیل می شد که فقط می دانست چه باید کرد ولی هیچ ابزار لازم برای انجام آن بود. در نتیجه، تجدید آموزش سیاسی حزب به ابتکار لندن، در تعیین مسیر انقلاب نقش تابع ایفا نمود.

متقاعد نمودن لودها

لندن پس از متقاعد نمودن حزب پیشرویی به دیگری با وظیفه دیگری پرداخت، متقاعد کردن توده ها از برنامه حزب پیشرویی. در حقیقت حزب پیشرویی اکنون از طریق «وضع صورت» به این راه قدم گذاشت. ولی توده ها فقط از طریق تجربه خود می توانستند صحت برنامه پیشرویی را دریابند. لیکن استقامت، بیژانه نگار انگلیسی یکی از مواردی را که حاکم از گوشش نمی شنید

بازگشت لندن

ریدگانا از زندانی شد و تا اوایل ماه مه در زندان بسر می برد. وقت ما آن که در آلمان عضو حزب پیشرویی بود، در افلاک می فیل از آغاز سفر به روسیه در آمریکا نوشته بود، نزد ما کالای مشابه با تهرانی اپریل لندن ایجاد کرده بود. طبقه کارگر با پیوستن از اجزای خود و بیوزاری بریده و گسسته رفا دست بکار شد. حکومت چه به چه جنگ است امپریالیستی ادامه خواهد داد. غلبت بیژنار می تواند به جنگ خاتمه دهد، و فقط حکومت شورواها می تواند مسئله ارضی را حل نماید.

توتسکی پس از بازگشت به روسیه، و گروهی که وی عضو آن بود بنام «فریادتنی» شروع به همکاری با پیشرویی نمودند و در کنگره ششم حزب پیشرویی به عضویت رسمی حزب درآمدند. در این کنگره توتسکی به عضویت کمیته مرکزی حزب انتخاب شد.

متقاعد نمودن پیشرویی ها

لندن به بحث و جدل در درون حزب پیشرویی برای متقاعد ساختن این حزب از تهرانی خود ادامه داد تا اینکه در کنفرانس سراسری پیشرویی های روسیه که در ۲۳ اپریل تشکیل شد. او توانست بطریق تلاوت شدن متقاعد و تعداد معدودی دیگر نظریات را از تصویب اکثریت حزب بگذراند.

چهار بود که لندن توانست یک چنین پیروزی بزرگ داشته باشد. ای طریقی اینکه اعضای رهبری یا با وضعی مخالفت نمودند. در چنین مدت کوتاهی به دست آورد. واضح

نگاهی از درون کمیته‌های امام

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر



روز کارگزاران

از این شماره ستون تحت‌عنوان میراث انقلابی ما خواهیم داشت که به نوشته‌های بهروز افشاری چنین جهانی کارگران و سند پدگان اختصاص خواهد داشت. در شرایط کنونی ایران که نسل نوبنی از روزندگان راه رهایی کارگران و زیست‌گستران جهانی باسج انقلابی به مسائل حاد جامعه‌ماست. گسترش ادبیات مومناولیم انقلابی هم با محوریت این نیاز مبارزه است و هم تداعی مبارزه ما را بسا نسیاز گذشته دوازده روزگار می‌بازد. ما کنگ می‌کنیم تا از راه آشنا شدن با چگونگی تجربیات مبارزات گذشته که در آثار انقلابیون بزرگی چون مارکس، انگلس، لنین، تروتسکی روزا لوکزامبورگ و دیگران منعکس است. راه راه مبارزه خود را بر یقین تر و بهتر ماییم. مقاله زیر - درباره منشأ و معنای روز اول ماه مه - روز جهانی کارگر توسط روزا لوکزامبورگ نوشته شده است. لازم است مختصراً درباره این چهره تابناک جنبش جهانی کارگری سخن گفته شود.

روزا لوکزامبورگ ۵۰ سال پیش جنسی در ۱۵ ژانویه ۱۸۷۱، بمباره کارل لنینست، توسط پلیس آلمان به قتل رسید. روزا لوکزامبورگ و کارل لنینست دو تن از رهبران احضار آلمان کارگری بودند که در سال ۱۹۱۹ قتل کارگران علیه دولت سرپا به داری آلمان را رهبری کردند. پس از شکست این قیام سوم که این دو توسط حاکم طبقه حاکم آلمان به قتل رسیدند.

روزا لوکزامبورگ برای سال‌ها بی بدنی‌نیل از گذشته زندگی، از رهبران سوسیال دموکرات آلمان بود. او علاوه بر اینکه از روسدادگان اصلی علیه یهودیان روس و بیابانکار بین‌الملل بود و در سال‌های جنگ جهانی اول خود از بیان گذاران بین‌الملل کمونیست (بین‌الملل سوم) محسوب می‌شود. از روزا لوکزامبورگ کتب و موزون مارکسیست متعددی به جا مانده که از آن میان مقاله گویس درباره منشأ روز جهانی کارگر، در زیر ترجمه شده است.

بنا بر استفاده از یک روز جشن کارگری بنیاده وسیله ای جهت پیروزی در مبارزه برای انتقال ساعت کار روزانه به هشت ساعت، اینده را در استرالیا ایجاد شد. در سال ۱۸۵۶ کارگران استرالیا تصمیم گرفتند ساعت کار روزانه را از هشت ساعت کاهش دهند. در روز اجراء دادند - تاریخ این روز ۲۱ آوریل اول اردیبهشت است. تعیین شده است هدف کارگران استرالیا برگزاری این مراسم فقط در سال ۱۸۵۶ بود. اما این نخستین روز جهانی کارگری چنان تأثیر عمیق بر نود هشتاد و شش روزی استرالیا ایجاد و چنان روحه جدیدی مبارزاتی به ایشان بخشید که جمعی تصمیم گرفتند همه ساله جشن کارگر را تکرار نمایند. واقعاً چه چیز دیگری بیش از اینکه کارگران به اراده خوبی بطور نود ای دست از کار بکنند. به ایشان نگاه می‌کنند و ایمان به نیروی خود را در آنها تحکیم و تقویت می‌دهند. چه چیز به این بزرگان همگام کارخانه‌ها و کارگاه‌ها بیشتر از اینکه کسب نبردهای خود را گرد آورند و تجزیه نمایند شهادت می‌دهند؟ از اینرو، فکر یک جشن پیروزی به جهت کارگران در برهه شده و از استرالیا به دیگر کشورها سرایت کرد تا قاطعیت کل جهان پیروزی را تسخیر نمود.

در میان پیروان برای جهان - ایمن کارگران آمریکا بودند که پیش از همه طریقی

یادداشت زیر توسط یکی از مبارزین که از آغاز تشکیل کمیته‌ها در آلمان فعالیت داشته این لحظه که بحث بر سر کمیته‌ها جاری است. حاضر اهمیت بسیار است.

در اوایل شروع کمیته‌ها که آنیو فکس کمیته‌های تنظیم اعتراضات و تظاهرات بود. در قسمت تنظیم تظاهرات شرکت داشتیم. این کمیته بسیار ساده بود زیرا که فقط تاریخ تظاهرات و مسیر تظاهرات را اعلام می‌کرد و بقیه را مردم خود انجام می‌دادند. کارکنان در این کمیته خبر دادن چگونگی و وضعیت راهبردی با تظاهرات در سطح شهر بود. افراد این کمیته‌ها را بیشتر در مشخصات و روحانیت تشکیل می‌دادند. کمیته‌های اعتراضات که اختلافات فیزی از آن نادر بود نیز تقاسمات مستقیم کارگران شمال و آگاه اداره می‌شدند که بسیاری از آنها را ساواک دستگیر کرد و جای آنها قیام یوسوله افراد کارگران را تکثیر می‌شد.

من در اوایل فعالیت‌هایم ایمان خیلی زیادی به این کمیته‌ها و کارهایی که می‌کردند نداشتم. در اواخر آذرماه که جلسه کمیته‌ها به دنبال به شهرها شروع شد، کمیته‌های محلی حفاظت از محلات شهر بطور پنهانی شروع کار کرد و من چونکه سرگروه یکی از این گروه‌ها بودم و هر شب با یکی کشیک می‌ادم ناچاراً از کمیته تنظیم تظاهرات و فعالیت‌ها خارج می‌شدم. این کمیته‌ها گروهی محلی حفاظتی بسیار دقیق بود. کشیک‌ها مرتب و با دقت داده می‌شد و در نتیجه کشیک وجود داشت که بین جوانان محلات تقسیم شده بود. کشیک اول از ساعت اقصای حکومت نظامی (ساعت ۹ شب تا ۲ صبح و کشیک بعدی از ساعت ۲ صبح تا ساعت ۵ صبح یعنی ساعت که هیور و مور آزاد میشد. سلاح جوانان اکثر سلاح سرد بود و اکثر این سلاح‌ها چوبی بلند به طول یک متر تا یک و نیم متر بود که روی آن یک جاقو یا پاشاب محکم بسته شده بود و در بعضی محلات تفنگهای شکاری و هفت زیر نیز موجود بود. سئولیت این جوانان نشان دادن در محل. هادیکه اصلا به مد نبودند و یکی مسلط بر سلاح اوضاع می‌شدند و در روز مور نیز خطر با گفتن "الله اکبر" مردم را یکجای می‌بردند و حتی القدر در سعی می‌شد که با ارتش‌ها درگیر ایجاد نمود. در طول این شبها گروهی ناشناسی بی‌تفاوت به بعضی افراد تحمیل چینی می‌راندند.

بعد از ساعات ۲۱ و ۲۲ بهمن و اکتادان اوضاع در دست مردم و شروع کار کمیته‌های باسج، من رفتن و حضور این کمیته‌ها در اوایل بسیار خوشحال بودم ولی بعد محسوس کردم که اوضاع از دست مردم خارج شده و دست افرادی افتاده است که اولاً بخاطر این که روحانیات فکری را داشتند و اعتقاد بسته به داشتن کافر می‌خواستند کسی را اصلاح کنی او را می‌بخشند. آب توبه روی سرش بریزند. عقاب رژیم سابق آزاد نمی‌کنند من از ۲ مار در ساعات پنج‌ه‌سور و سیزدگوشه به بعضی کمیته‌ها می‌رفتم و با این شخصیت‌ها چنان ما را به پشت و لگم می‌زدند که انگار بد زان را از کتفها برمی‌داشتند و هیچ مارا به ندانسی مجبور از کتف می‌گرداند. آنیم چند دقیقه وظیفه یواشکی ما را از چادرهایی که مقسم

آنها بود و در نقاط مختلف شهر نصب شده بود قرار می‌دادند. خلاصه ما همه به یک گنسه این افراد نه فقط توبه کرده بودند و در شهر آزادانه می‌گشتند بلکه چهره‌های آشنا نیز در کمیته دیده می‌شد و وقتی ما اعتراضات میکردیم می‌گفتند که اینجا اصلاح شده‌اند و آب توبه روی سرشان ریخته‌اند.

کار افرادی کمیته‌گفت شب در ساعات مختلف خوابی چشمگیر داشتند مثلاً در محل‌های ایستگاه، حوضر آبان، زمین کارگری و چهار صد دستگاه فقط ۲ نفر مسلح وجود داشت. ولی در محله کابن پارس هر صد متر به صد متر چند حفاظ مسلح بود. یک شب سردم محله‌های فقیر نشین ریوی در آنرا علم که آنیو فکس مرکز سادات علمانی امام بود گرد آمدند و خواهان اسلحه برای حفاظت محلات خود شدند ولی گفتند: امام گفت که شما هیچگونه سلاحی برای دست گرفتن اسلحه ندارید. در روزیکه همه آنها برگه با پان هجدهم داشتند. مردم اعتراض کردند که این ملاحظه که هر کدام یک هفت زیر دارند چه نسووح سلاحی دارید. کمیته به حرفهای آنها کسی نمی‌داد و با دو عدد ماشین ارتشی بر از میز مردم را تفریق می‌کرد. اهالی این محلات می‌گفتند پس شما حداقل چند عدد از این افراد مسلح برای این محلات فرستید تا با ما همکاری کنند آنها گفتند که همسایر چهار نفر می‌است و وقتی با قیام مردم این محلات پیوسته بودیم که باشد تا ایمن افراد را زیاد تر می‌کنیم ولی خبری نشد که شد.

در نقاط حجاز مانند راد و بو لوزبون و سلوا ایتار گدم - پنج - ۱۰۰۰ محافظان زیادی بودند که بیشترشان محافظان اسلحه دست گرفتند. داشتند اسلحه به کسی داده می‌شد مگر اینکه ملا و روحانی باشد یا بسا یکی از نمایان آشنای داشت و چند نفر هم از ما بودند. پیروز از آنها اسلحه گرفته بودند بعد ما کار کمیته می‌شد. بجای اینکه از دستاوردهای انقلاب محافظت کردی برای سرکشی ظاهرنگار بوده اند همانطوریکه ساواک و در زمان رژیم شاه انجام می‌داد. هیچ حقیق داشتند تقاب خود را پنهان نکردند هر کسی اعتراض می‌کرد بوجهش از اسلحه می‌خورند. چه بسیار انقلابیون که در همین کمیته‌های امام برجستند انقلاب خوردند کارگرها نمی‌خواستند اعتراضات را بکنند ولی کار کمیته بر تنگن این اعتراضات بسیار دقیق بود. کارگاه ساواک و ارتش در عرضی یکسال توانست انجام دهد کمیته‌ها در بعضی چند روز پنج‌ه‌سور انجام دادند.

من همین مزیج و افراطی با تحریکات افراد تا آگاه‌های نهجانات، اعتراضات راهبردی ما واقعاً ایمانی را که به سر خود می‌بندد به چنین سربوز می‌کردند. انقلابیون و آزاده‌خواهان هم‌عرویی آزادی را می‌بندند و لکن از این رویا بریدند و دیدند که هر چه زودان محفوف و تاریکی انسانیت چهره‌ها به یکباره تغییر کرده همه انقلابیون فکری شدند. خون شهید با جمال شد. سواد جوان به آرزوی خود رسیدند و من که نمی‌توانستم با این گنسه همکاری کنم در حد جهاد می‌آ آن برآمدم. کار کمیته و تمام چیزهاییکه مرا وابسته به کمیته میکرد بازگردم و با خود همه چشم که نگذارم خون شهید با جمال شود.

احترام بپوشه...

با نه - ملاحظه آن روز بدون حجاب سه رویی... ملاحظه تلویزیون ظاهر شد - در اولین ارسالته حجاب - اطلاع دادند که یک ساله نیست بیایید تلویزیون من علت این امر بپوشیدم - گفتند که میخوانم غیر برادرها را میبینم میوه آنچه روز حکمی منی بر سرادم میگرداند - گفتند پس "تیریز جو توضیح دادند که دلیل این را میبینی افراد گمنامان خود کارها و سربازان را میخوانند جانی که شاید هندی اعراب - حالا بگویم که این ظاهر شخصی برای من در حکومت عدل اسلامی پیش می آید این است که آیا این عمل است که پس از ۱۶ ساله بدون اینکه به عدلی استن اجازه - مفسد از خودی را بدهند اخراجش کنند - این کار از رژیم قبلی قابل قبول بود اما از رژیم که میباید عدل اسلامی و تراز کرم است بیرون ببرد پس نیست - اخلاقی شخصیت و حیثیت اساسی افسران و خصوصاً زنان - برای این آقایان هیچ احترامی ندارد - در یک مدت نسبتاً کوتاه سرپرست دولت راه بود و تلویزیون زنان را با چهره دست خودی قرار داده و از آنها استفاده تبلیغاتی کرده است - معلوم یک نحوه - خامس آزاده زینری - یکی از کهنه گان نژاد افغان برآمده است - درست یک هفته قبل از انجام فرزند دوم سه و این خانم تلقین شد و گفتند که ما سر کار - و این بعد از این بود که بسواری ۶ روز

تلویزیون اصلاً چیزی زن نداشت - این خانم سؤال کرد که این برای چه مدتی است - نمیخواهم شما من را مستحکم تر از به هندی دست آویز کنید که یکی در هفته بیایند و بگویند برو - من حاضر نیستم - آنها گفتند که آید - چنین چیزی نیست - شما بطور دائمی بپوشید - ولی درست روزی که فرزندم در تمام شد - در تمام همان روز - گفتند که دیگر سه نفر است احتیاج نیست - این رفتار واضح بود که برای چیست - با آمدن بیست و نین بی حجاب به روی صفحه تلویزیون انقلاب اسلامی - نظرم من برای انقلاب اسلامی از یک زن استفاده تبلیغاتی کرد - من آقای قصب زاده میگویم که اختلاف در راه بود و تلویزیون به سر اینست که کارکنان در سازمان هدست و حامی رژیم سابق بودند - و جنگ و دعوا از اینجا شروع می شود - شما چه میگویید - ج - نه این درست میگویند است - تمام کسانی که قدم با رژیم سابق کار می کردند - در اجتماعات شرکت نداشتند - عکسها عیانت میگردند از رژیم شاهنشاهی - اصلاً افعال - شکن بودند - امروز همه آید از همان افراد مطبوعه فرمایند و در حامی سرخست آقای قصب زاده هستند - نمونه زیاد است بخانه های پوز است - میخوانم اسم میخوانم اینها را میخوانم و خبر کار میگویم - حتی در زمان ارضیاری و اختیار همه در انتصاب بودند - این خامس به کار ادامه میداد - و خیلی هم خیلی همه

با انتشار از رژیم شاه طرفه ای میگرد - روز بعد از قیام - بچه ها این شخصی را به زاد بو تلویزیون راه میدادند - نمیگذاشتند از ترسیر جلوتر بیاید - و آن عین شخصی رئیس ریاست مونس آقای قصب زاده شده - آقای قصب زاده میدانند که این قبلا طرفدار سر سخت رژیم سابق بوده است ولی اینست شخصیت پیش آقای قصب زاده - و گفت گنسه یکم در انتصاب نکردم - من در تمام اسرار شرکت نکردم - وقتی شاه رفتند به بنای صورت اشک ریختم - ولی الان حاضریم با شما همگامی کنم و هر کار میگویند انجام میدهم - کسانی هستند که قبلا در زمان ارضیاری و نظارت بطور فعال کار می کردند - الان هم از نظرات ارباب سرخست آقای قصب زاده میبایند - فکر نمیکنید که اگر کارکنان را دیسو و تلویزیون بریزد - درین مردم فعالیت مبارزان را که علیه حقیق و سانسور در این سازمان است بازگو کند - حیثیت رسمی در بیس مردم کس خواهد کرد - هر چه در حد چنین است - من بسواری چندهای سازمان مثال آوردم و گفت که موقتی که من میخوانم این نامه را بنویسم - خیلی در شد و تریه بود - سه چهار روز در این باره فکر کردم - ولی بالاخره این نامه را نوشتم - من برای چهها در جمع میبویسم - گفتم که این کار نتیجه نوبی اعاده می دادند - حیثیت خیلی خیلی میبویم - برای این کسه

کشته ها...

با یگان اگر چه در گذشته بهار و برنامهای کشیدنی و تولیدی ناتوان بوده - به پدر یا فرزندی بدل شده است - هر قسمی که دولت برای تثبیت دولت خود بر می دارد - در اندک مدت به کس خود بدل شده و عامل تزلزل جدی می شود - حکومت سرما بعد از دهه جاسا پدر انترناس میباید و آگاهی طبقاتی را در میان کارگران کشته کرده است - بسیاری بیس ماهیت خود کارگری این دولت بی میزند - در مقابل برنامه های این دولت - برنامه های فقط بود جوش سرما بعد از آن و زمینداران را در میگرد - طبقه کارگر و فدائی کالا مفسد بود از قیام انقلابی - دارد به نیروی آگساده انجمنی و قدرت مبارزه سیاسی دوران ساز جامعه ما محال می شود - همه آنها حقایق پیشی از جامعه ما را قاش می کنند - در کشور از طریق این هیئت ها کسه سرما بعد از پسند ار که از کارگر و زمینکنش سرما در و چنین آنان کشته است - عمل خودی نیست - سرما کشتور و مبارزه کارگران فرا گرفته است - این مبارزات اگر چه کارکنان بیس صورت برانگه است اما طبقه را در گیر طاقت و عمل کرده و دشمنان را به تکانی انداخته است - این مبارزات کشتور من باید بنویسد - بر خلاف

تعلیمات زهرآگین هیئت حاکمه...

برای ادایه حیات و دست یافتن به سزاندگی مناسب مبارزه می کند - این چیزی است کسه سود جویی سرما بعد از آن غت خیر می خواهد از مردم کارگر دریغ کند - این چیزی است کسه دولت سرما بعد از آن غت خیر می خواهد آن توسط کارگران بدون وقفه تارک میباید - در مقابل این واقعیت هیئت حاکمه - هگی و مردم استاندا - هیچ راهی جاسز دروغ برائی ندارند - ایجان هگی مسئولیت نظام بلند تحت کنترل اینها لیسوم را به دست مردم کارگر می اندازند - هگی میگویند که مسائل ایران حل شدن نیست - میبویم از ایجان یک نفر وقت طلب می کند - در نتیجه چشم انداز مبارزه می نهایت ساده گنجه است - سرما بعد از آن که در همه از آن رنج بکنیم و حالت هگی بگیریم - با اینکه سرما بعد از آن را خندیم کنیم و آزاد شویم - ایجان جامعه خیر و از همه پلایا - میگوید - غذا - سکن و کار خلاص شده - رفاه - خوشی و آزادی را به چنگ آوریم -

... دستگیری ها

روزیست ۸ اتورد میگر از هواداران کارگر امیر ملکی - هنگام بخش اولیبه توسط یکی از اعضای کشته بازداشت شد - برای دست و پسر و خوی نفسی کسه از مقامات بالا تر - ملکی آزاد شد - ولی این حیات چند من برای متناهی و مغالطه چند صد متر ارم تکرار شده - هر بار ملکی میرود تهدید به جانی ترار کشت و تدا - در اثر همینک هزاران نفر از هواداران بعد از کسه در دفاع از ملکی گرد آمده بود - ایجان کسه وی را آزاد می کردند - سرما انجام در حالته یکی از افراد کشته وی را شرم به ساگی بودن میگرد - وی را به محل کشته شماره ۳ برده - در محلیه کارگری بنام ناه برای مردم توضیح میداد کتله ایجا - ملکی فرزند کارگرس

حزب توده و ...

برایه - حزب کارگران سوسیالیست زنده است و حزب توده نمی تواند با تحریف و نقل قبول از لندن و پارکس باج از مضمون بیشتر از انقلابی از تحقیق کند - بالاتر از همه مبارزات زنده کارگران و زمینکنان این کشور است که دیگر مثل دوران قبل از ۶۸ مرداد در مقابل انحصار سیاسی حزب توده قرار ندادند - این برای آنست که مایل سیاست سوسیالیستی حزب توده که همیشه به تحکیم و حمایت از سرما به داری می انجامد - ذکر چند نکته ضروری است - این نکات به جهت با را و مبارزه نمونه حیثیات حزب توده با حیثیات از جمهوری اسلامی به روشن کردن سیاست انقلابی سوسیالیسم در مورد استالیسم می کنند - لایح است که این نکات از طرح کنیم و بحث آن را به آینده منوکول کنیم - ۱ - سوسیالیست های انقلابی علیه حزب توده

با نیروهای سرما به داری هنگام نمی شوند - اگر چه حزب توده مانع نشر خود میبویم از استالیسمی را عکس می کند - اصلاً حزب کارگری است - چرا که در میسبان کارگران و زمینکنان فعالیت می کند - جمله دولت سرما به داری به حزب توده - جمله ای است که بطور غیر مستقیم کارگران و زمینکنان را هدف گیری کرده است - سوسیالیست های انقلابی از جنس خودی دور گردانده است - بخصوص احزاب کارگری دفاع می کنند - ۲ - حیثیات سوسیالیسم انقلابی در مسعود و روشنت حزب توده - نیز در کلیه مبارزات صحیح و درست است - سوسیالیست های انقلابی برای ایجاد طبقه کارگر و زمینکنان مبارزه می کنند - این ایجاد تنها می تواند بس اساسی در بر گرفتن کلیه نیروهای سیاسی فعال در میان کارگران و زمینکنان - پیروید آید -

۱ - استفاده از پرچم و افترا علیه رقیبهای سیاسی یکی از مشخصات احزاب استالیسمی است - سوسیالیست های انقلابی مخالف چنین شیوه هایی هستند - برای ایجاد عقیدتین دیوکراسی و مبارزات و تشکلات زمینکنان سوسیالیستی می کنند - ۲ - حزب توده در مورد اتحاد کارگران و زمینکنان تبلیغات فراوان میکند - سرما و در باره اتحاد کلیه نیروهای جد ایرانیست و غیره تلافی می کند - اما هدف واقعی حزب توده از اتحاد - اتحاد کارگران و زمینکنان با سرما به داری است - در مقابل این سیاست انقلابی سوسیالیست ها سوسیالیست های سرما به داری ایران - سوسیالیست های ایرانیه - واحد کلیه نیروهای سیاسی بدو خواست های مشخص و برای مبارزه عملی را پیشنهاد می کند - بجای اختلاف با سرما بعد از آن - سوسیالیست های انقلابی

یک نفر بودم - به هیراه داشتند - و این حساب فقط از من نبود - من یک نسخه ششم از کارگان را بدو و تلویزیون - و این حسابی که از من شد به موافقت شد بدو و وسیع تر شد - از کل کارگان این سازمان میخاستند - و تعبیه این نامه من نشان داد که بالاخره یک صدای انسانی برای آزادی بیرون میاید - این عقیده من است - و ما در راه بیسو و تلویزیون باید به آن معتقد باشیم - ۷۰ هزار نفری که در سال گذشته شهید شدند بسیاری چه بود - ما که باقی خود می بینیم طبعی ای نداریم که خون این شهیدان با ما مل نشود - یعنی با معافه کردن یا بدر لایق شهید و یا مادر بیوهان شهید مسئله حاتم میباید - من فکر نمیکنم بشهرت باشد - اگر امروز - پس از ۷۰ هزار شهید - ما زید بار زور بیسو و سانسور را قبول کنیم - این اصلا یک حیثیات است به خون پاک این شهیدان - حیثیات است به میوه انسانی کسه در راه آزادی - این مسئله بیان و اندیشه - مبارزه کردند - این همه یک ملاحظه فردی در بین نیست - این همه مبارزه برای این بود که آقای قصب زاده و پارسی باید اینجا و سربست زاده و تلویزیون بخندد و بعد اینکارها را انجام دهند - مبارزه این کسه علیه سانسور - علیه استبداد بود - لایق در جانی که من کسار کردم - در این مدت اثری از دیوکراسی و آزادی عقیده و بیان ندیم - واقعا میباید علیه این حقیق مبارزه کرد -

بایک زهرآگین

دستگیری های جدید فرושندگان 'کارگر'

حالات، دستگیری ها و اعدامات گسری که از مدت ها قبل نسبت به فروشندگان "کارگر" از طرف افراد مشکوک و گمنام های امام صورت می گرفته است. همچنان ادامه دارد. این حملات به حقوق دموکراتیک این افراد علاوه بر تهران در شهرستان های مختلف از قبیل اصفهان، تبریز، اهواز و... نیز صورت گرفته است. در زیر برخی از موارد جدید این حملات را به چاپ می رسانیم.

شهرک

در اعلامیه ای که از طرف طرفه اراک حزب کارگران سوسیالیست در شهرکرد به چاپ رسیده است، خبر ضرب و شتم کسی از فروشندگان کارگر که به بن شرح آمده است: "صبح روز سه شنبه ۲۱/۱/۵۸ یک کس از فروشندگان هفته نامه "کارگر" در محل "روزانه" فارسان مورد حمله چند تن از اراکل و اوباش قرار گرفت و توسط آنان ضرب و کوب شد. در حالیکه فروشنده مشغول فروختن نشریه بوده است ۲ نفر به وی حمله می کنند و نشریه را برادر کرده و در همین اثنا مأمین گنیه به همسوار افراد آن سر می رسد و در عرض اینکه جلوی حمله کنندگان را بگیرند. چند نفر از آنها به کمک مهاجمین می آیند و با هدف شتم هم فروشنده را به باد کتبی می گیرند...".

پس از این حمله ۵۰۰ همان روز جمعیتی حدود ۲۰۰ نفر به اعتراض علیه ضرب و شتم فروشنده "کارگر" در جلوی استانداری به تظاهرات پرداختند و خواهان ملاقات، پنا

آقای طالقانی، استاد از چهار محال و بختیاری شدند. اگرچه استاد از حاضرین به ملاقات با نظامرکنندگان شد ولی اعلامیه ای بصورت کتبی صادر نمود که بر طبق آن "فروش هرگونه نشریه، اعلامیه، جمله، جزوه و کتاب که جنبه تحریک و توطئه نداشته باشد. در استان چهارمحال و بختیاری آزاد است". همچنین در اثر شگافی که از طرف شخص ضروب به عمل آمد، ضارب به شش ماه زندان محکوم گردید.

یوزن

در روز پنجشنبه ۲۲ فروردین، چهارنفر از طرفه اراک نشریه "کارگر" در حالیکه مشغول فروش این نشریه بودند. توسط شخصی از "گمنام" امام یوزن مورد حمله قرار گرفتند و نشریه ها را با خود بردند. در آنجا هرکس کس که از راه می رسید آنان را به باد ناسزا گرفته و رو کوب. این نفس ها را بتار آنان می نمود. اگرچه استاد از چهارمحال و بختیاری به فروشندگان "کارگر" اجازه یختن در سراسر چهارمحال را صادر نموده بود که شامل یوزن هم می شود. با احتمال مأمورین گنیه این اجازه ناسمه و نادرده گرفته و آنها ضبط نمودند. طبیعتاً اعتراضات این چهارنفر علیه تقاضای حقوقی دموکراتیک آنان، گزارش سرباز مفرمانده از طرف گنیه امام یوزن نوشته شد و اینس چهارنفر را همراه با ۵ مأمور گنیه که در نشر

- ۳- فعالیت های مارکسیستی شما در ایران است به چه گروه کمونیستی وابسته است ؟
- ۴- چه گروه های سیاسی در ایران فعالیت می کنند ؟
- ۵- چرا چریک های فدائیان وابسته به گنیه هستند و آیا از آمریکا کمک های مالی به آنها می رسد ؟
- ۶- طرح های آینده آنان چیست ؟
- ۷- افرادی که شما با آنها آشنایی داشته اید و در تحریکات گنیه کار می کنند با شما رابطه داشته چه کسانی هستند ؟
- ۸- افرادی از رهبری شما که در تحریکات اخیر دست داشته چه کسانی هستند ؟
- ۹- نام دوستان خود را که با آنها رابطه دارید، همراه با شغل و مشخصات دقیق آنها بنویسید.
- ۱۰- چه طرح هایی در اصفهان داشته و پنا دارید ؟
- ۱۱- نام توفیقیان شخصی که اخیراً در تظاهرات بیکاران اصفهان به قتل رسیده را که لطفاً نامش کمونیست ها بوده اند، چه کسی گفته است ؟
- ۱۲- فعالیت های شما در شهرکرد چیست و چه بلواهایی تدارک دیده اید ؟
- ۱۳- در بابان هر یک از آنان را برای مدت ۶ ساعت به یک گوشه سالن فرستاد و بعد یک نفر به مدت یکساعت و نیم برای آنان سخنرانی می کند و این چهار نفر طول کتبی می گیرند و با اقتصاد اسلام مطالعه کنند و تا آنرا یاد نگرفته اند "صلی حد افلاسی" انجام دهند.

بفیه در صفحه ۱۹

ضرورت دفاع از آزادی بین عقیده و اجتماعات در پشت پرده حمله به فدائیان

حسین تفری

رهبران مذهبی بنیاد از پیش ایداع شده کردند هر نوع جدای اعتراض و توسل به اعتراض و تهمت و لیس برائی را احساس می کنند. کسل مسئله بیگاری، حقوق خلقی های تحت تسلط ادامه استعمار شده که کارگر به دست سرمایه را میخوانند زیر پوشش "ضربانگاران" و گمال اجانب" قلم کنند. میگویند کزن هارو ترکنم. ها بخاطر رهایی از قید و بند سالیانه شتم ملی مبارزه نمی کنند. ترکنم ها برای پس گرفتن زمین های خود که بوسیله زمینداران و سرمایه داران گردن گلفند نصب شده نمی جنگند، همه و همه تفسیر "حریکات" فدائیان است. بدین ترتیب حمله به گروه ها و احزابی که سعی می کنند پایه ای از فعالیتات اینس جامعه را گوش می زنند، اوج میگردد. در این میان فدائیان، بخاطر نفوذ و محبوبیت بیشتری که دارند، آماج اصلی این حملات و تهمت ها و افتراها قرار گرفته اند. روزی نیست که جرایم غیر دستگیری و حتی شکنجه هواداران فدائیان را چاپ نکنند. اینس مسئله اکنون تا بنواندازی به طرف تظاهرات بیکاران و کشته شدن یکی از طرفه اراک فدائیان پیش رفته است.

ولی حکومت آقای بازرگان نخواهد توانست به این آسانی مردم را متقاعد کند. مردم می بینند چه کسی باید اعدام گردد ؟

سخنان آقای بازرگان سه روز پس از انجام ولروادوم، نه تنها با نگر این حقیقت بود که دولت هیچ برنامه ای برای رفع بحران های ملی کشی جامعه، بیگاری، تورم، کفایت، مسکن، حقوق طبه های تحت شتم و غیره سره ندارد. بلکه کوشش می کند با حمله به حقوق دموکراتیک، حتی جلوی بحث عمومی درباره این موضوعات حیاتی را هم سد نماید. در حقیقت سخنان آقای بازرگان در مورد "بیگاری" درصداً از جمعیتی که به قول او "بیگاری اندازه خود سر می رسد" راه می اندازند. خلاصه و گنگ برزی بود برای حملات جدید به حقوق دموکراتیک همه مردم.

سرنوشت مردم زیر جناح تارک و فاسد شاه، برای همه زندگانشان ایران بزرگه آغاز طرح و جل گلیه آن مسالقی بود که سلطنت بدستور ایلیان خارجی خود، برگرسد. زندگانشان و شتم بدگان جامعه تحویل کرده بود. لکن حکومت آقای بازرگان که مستورم است همیشه اد داشتند در حل اساسی و بنیادی این مشکلات و مسائل بگوشه، روشی کاتلا مخالف اتخاذ کرده اند.

به جای پایان دادن به شتم طبسی و برصیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملیتهای ستمدیده که در زبان سلطنت پهلوی، محروم ترین بخش جامعه را تشکیل میدادند، دولت به ارتش و فوج و ناگن طبول شده است و مبارزه را در ترکنم ها را نتیجه "ضربانگاری" عناصر بیگانه و تجزیه طلب غیر معرفی می کند. حملات شدت یافته به فدائیان

بعنوان مأمورین اصلی "مسئله" ترکنم محسوساً نیز از همین جا سرچشمه میگردد. حکومت

چریک فدائی که در راه سرنوشت کردن امیداد بپلوی جان برکف نهاد و با فرمانده کردن گفتارانش که در سطور تمام مردم مستندج و گنیه کارگران را جانور کند چه کسی بسا سازاک بودند زده؟ فدائیان که سالها هدف حمله سازاک و ارتجاع بودند با گنیه گنیه سازاک با خلقی اید و آنها به اطلاع عام مردم می رسانند؟ گنیه گنیه این استاد را خلقی کرده اند. در حقیقت به سازاک همسازا اجازه داده اند که آزادانه بگردنسد و سر خیابانها حمله "اعدام باید کرد" می دهند. سلسا امروز در میان گنیه حکم میزند. فدائیانها را می دهند سازاک فسروران بافت می شود. سالها سازاک بود که احکام مرگ نیروهای انقلابی را صادر می کرد و در این کار مهارت داشت. گلیه گنیه گنیه سازاکان چریک های فدائی خلقی و فعالیت سیاسی انقلابی می توانی بر اساس میزند باید شناخته و مجازات کرد. شرایط برخاسته مبارزه بوده ای، شرایط نیست که بتوان به سادگی، حق آزادی و فعالیت سیاسی را از گریزی گرفته، اتهام برپا به زد و شعارهای ارتجاعی داد. حمله به فدائیان، حمله به تمام کسانی است که سر به امر پیشرو اهداف زندگانشان ایران سپرده اند. حمله به حقوق دموکراتیک همه مردم است. حمله به آزادی بیان و عقیده، حمله به آزادی احزاب، حمله به انقلاب ایران است. تمام گروه ها و احزاب، های سیاسی باید متحداً به این حملات اعتراض کرده به آن پاسخ دهند. استاد سازاک را خلقی کنید تا معلوم شود چه کسی اعدام باید گردد !